



شکار دوم

ایران ریموس ۶۰۰ را شکار کرد



قمار آمریکایی

ترامپ توافق را رد کرد



ترس عربی

مدارس ریاض غیر حضوری شد



احکام عبدی، زیباکلام و رسایی

صدور حکم برای چند چهره مطبوعاتی و سیاسی

قصه جدید سیمین

بازگشت فاطمه معتمدآریا به ایران



یادداشت روز

مصادره استقبال از پزشکيان!

گزارشی اجمالی از شرکت

در یک تجمع میدانی ویژه



علی محمد حاضری

جامعه‌شناس و عضو شورای مرکزی انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها

روز شنبه ۴ مهرماه به جلسه‌ای پوشش‌گونه برای حمایت از احیای تفاهم‌نامه و بلندتر کردن صدای حامیان تعامل و مذاکره برای بهره‌برداری از دستاوردهای نظامی در تقابل با آمریکا دعوت شده بودم. همزمان از وزارت کشور تماس گرفتند و گفتند از سوی خانه احزاب قرار است جمعی برای استقبال از رئیس‌جمهور هنگام بازگشت از سفر نیویورک که شب‌شب چهارم مهر صورت می‌گیرد، شرکت کنند. خوب است در حمایت از مواضع و سخنان رئیس‌جمهور این حرکت نمادین انجام شود، اگر شما هم مایلید شرکت کنید، من با فرض اینکه این دو حرکت همسو و مکمل یکدیگر هستند برای شرکت در مراسم استقبال اعلام آمادگی کردم. در جلسه عصر، من به‌عنوان یکی از سوالات از متولیان بحث پرسیدم که به‌نظر می‌رسد مخالفان مذاکره و تعامل، که مسا آنها را جریان افراطی و اقلیت می‌شناسیم، از جانب نیروهایی در حاکمیت یا بخش‌های ذی‌نفوذ تقویت می‌شوند. بدون شناخت و توجه به این جریان، تلاش‌ها کم‌اثر خواهد بود. اتفاقاً شب که به جمع شرکت‌کنندگان در مراسم استقبال از رئیس‌جمهور پیوستم، متوجه شدم کل تلاشی که برای شرکت در این حرکت صورت گرفته، تریبون آن در محل استقبال در فرودگاه مهرآباد، در اختیار کلیت جریاناتی است که اجتماعات شبانه میادین شهرها را در اختیار دارد. البته شعارها و مواضع آشکارا ضد‌مذاکره و تفاهم‌نامه داده نمی‌شد اما عمده‌ا استقبال از رئیس‌جمهور را ذیل حمایت از پزشکيان شجاع و ولایی انجام می‌دادند که به‌زعم خود در نیویورک، مشقت محکمی بر دهان یاوره‌گویی‌های ترامپ و استکبار زده است و همچنان ایده نابودی اسرائیل و آمریکا غلبه داشت و تقریباً هیچ اثری از وجه دیگر مواضع پزشکيان که تقویت رویکرد تعامل‌گرایی و احیای تفاهم‌نامه بود، دیده نمی‌شد. با دکتر قائم‌پناه و آقای الیاس حضری، رئیس شورای رسانه‌ای نهاد ریاست جمهوری و نیز دست‌اندرکاران حوزه سیاسی وزارت کشور و نیز بعضی عوامل رسانه‌ای حامی دولت که در مراسم استقبال حضور داشتند این وضعیت تریبون مراسم را یادآور شدم و گفتم که ظاهراً همه تلاش ما عملاً توسط طیفی که علاقه‌ای به مذاکره ندارد، مصادره شد. بعضی از دوستان این برداشت را تأیید کردند و بعضی دیگر به این امر که در تریبون موضع رسمی ضد‌مذاکره‌کنندگان و پزشکيان گرفته نشد، رضایت و اشاره داشتند که اگر این حرکت ما نبود ممکن بود این تجمع کلاً در اختیار آن طیف قرار گیرد (البته نشانه‌های آن هم با توجه به وجود جمع اندکی که شعار پزشکيان حیا کن، مملکتو رها کن می‌دادند، دیده شد) و به همین حد از اثرگذاری رضایت داشتند. اما باور بنده این است که آنچه از کل این مراسم در صداوسیما و رسانه‌های رسمی منعکس خواهد شد، همان ندا و فضا و عکس و پرچم‌هایی است که از پزشکيان مصادره شده از تریبون به‌دست می‌آید، خواهد بود، نه کلیت مواضع پزشکيان که دیپلماسی و مذاکره و احیای تفاهم هم وجه دیگر آن است. خدا کند که در واقعیت خلاف برداشت بنده را شاهد باشیم.

اما آنچه در تکمله این یادداشت لازم است اشاره شود، ترکیب و توازن خوب دفاع عزتمندانه و دیپلماسی مقتدرانه است. باید حواس‌مان باشد که فدا شدن خواسته یا ناخواسته یکی از این دو بعد، یا از ما تصویر جنگ‌طلبانه و یاغی‌مآبانه به جهان صادر می‌کند که شکل‌گیری ائتلاف تجاوزکارانه علیه ما را آسان‌تر و ترغیب می‌کند، یا نوعی استیصال و مؤثر بودن تداوم فشارها را برای دشمنان نشانه می‌رود که آنها را بر تداوم آن تشویق می‌کند. رسالت ما نیروهای مدنی کمک به مسئولان برای حفظ و ایجاد این توازن است. به‌نظر می‌رسد، شخص دکتر پزشکيان و تیم همراه و مؤثر در مجموعه فرآیند این سفر این توازن را خوب و بهینه برقرار کرده بود و دفاع از این موضع برای تداوم آن رسالت امروز نیروهای مدافع منافع ملی و نجات عزتمندانه کشور از خطر تهاجم است.

کمیته شش نفره

رئیس‌جمهور در گفت‌وگو با شبکه سی‌بی‌اس، از تشکیل یک تیم شش‌نفره

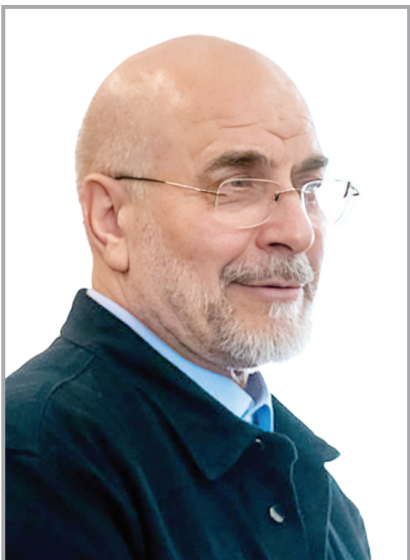
خبر داد که در کنار او تصمیمات مرتبط با مذاکرات را پیش می‌برند

پزشکيان افزود: اعضای این تیم، از بخش‌های مختلف حاکمیت، از جمله نهادهای امنیتی،

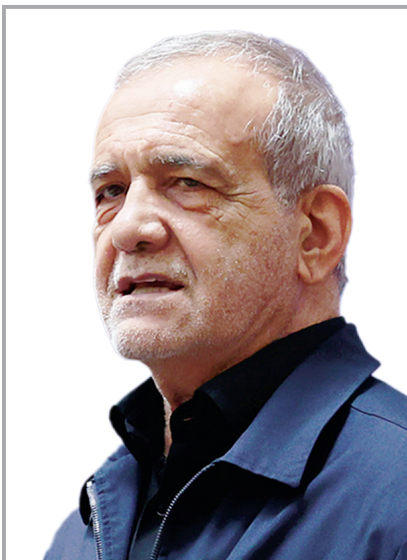
مجلس و دولت هستند که درخصوص گزینه‌های پیش‌رو، با یکدیگر مشورت می‌کند

سازندگی در گفت‌وگو با کارشناسان و فعالان سیاسی

به گمانه‌زنی در خصوص ترکیب این کمیته پرداخته است



محمدباقر قالیباف، رئیس تیم مذاکره‌کننده



مسعود پزشکيان، رئیس‌جمهور



محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی



عاطفه شمس

گروه سیاسی

اظهارات اخیر مسعود پزشکيان در نیویورک، یک سوال مهم درباره سازوکار تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایران مطرح کرده است. رئیس‌جمهور در گفت‌وگو با برنامه «فیس دینشن» شبکه CBS، وقتی درباره نقش رهبر جمهوری اسلامی درسیاست خارجی از او سوال شد، به‌جای توضیح درباره یک فرد، از یک جمع ۶نفره گفت؛ تیمی که به گفته او از نهادهای مختلف تشکیل شده و در آن نمایندگان از نیروهای امنیتی، مجلس و دولت حضور دارند و پس از گفت‌وگو و رایزنی درباره فرآیندهای تصمیم‌گیری، تصمیمات را با هماهنگی اتخاذ می‌کنند. پزشکيان البته نام این ۶ نفر را نگفت و یک سوال اصلی را باقی گذاشت: چه کسانی در این اتاق ۶نفره می‌نشینند و درباره موضوعاتی مانند مذاکره، جنگ، آتش‌بس و رابطه با آمریکا تصمیم می‌گیرند؟

ادامه در صفحه ۲



علی عبداللہی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح



احمد وحیدی، فرمانده سپاه پاسداران



سرپرست یا نماینده وزارت اطلاعات



سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه



سال نهم شماره ۲۳۳۸
دوشنبه ۶ مهر ۱۴۰۵



بررسی رویدادهای سیاسی

گزارش

مطالبه تغییر

نخستین مدیر ایسپا:

۶۷ درصد مردم خواهان تغییرات بنیادی هستند

گروه سیاسی: ۲۰ سال پیش وقتی از مردم ایران درباره تغییرات بنیادی پرسیده می‌شد تنها ۸ درصد از آنها چنین تغییری را ضروری می‌دانستند. امروز اما به روایت ابراهیم حاجبانی، جامعه‌شناس و نخستین مدیر مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) این عدد به حدود ۶۷ درصد رسیده است؛ آماری که به گفته او حاصل یک تغییر ناگهانی نیست بلکه نتیجه روندی طولانی در نگرش اجتماعی ایرانیان است.

حاجبانی در گفت‌وگو با انصاف‌نیوز از جامعه‌ای می‌گوید که در آن، اعتماد به نهادهای نظامی همچنان بالاتر از نهادهای سیاسی قرار دارد. به گفته حاجبانی در پیمایش‌های پیش از جنگ حدود ۵۳ درصد مردم به ارتش، ۴۶ درصد به سپاه و ۴۶ درصد نیز به نیروی انتظامی اعتماد داشته‌اند. او معتقد است این میزان پس از جنگ احتمالاً افزایش پیدا کرده است. در مقابل، اعتماد به قوای سه‌گانه حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد و اعتماد به مسئولان سیاسی تنها حدود ۷ تا ۸ درصد بوده است. این فاصله از نگاه او یکی از نشانه‌های مهم وضعیت امروز افکار عمومی است؛ جایی که مردم میان نهادهای مختلف، تمایز قائل می‌شوند و میزان اعتمادشان به عملکرد آنها یکسان نیست.

در حوزه رسانه نیز شکاف اعتماد دیده می‌شود. حاجبانی حداکثر اعتماد به صداوسیما را حدود ۲۵ درصد عنوان می‌کند و می‌گوید، اعتماد به رسانه‌های ماهواره‌ای نیز حدود ۱۴ درصد است؛ درحالی که به گفته او، ضریب نفوذ ماهواره در ایران به حدود ۷۸ درصد می‌رسد. بنابراین پرمخاطب بودن یک رسانه لزوماً به‌معنای برخورداری آن از اعتماد عمومی نیست. با این حال خانواده همچنان مهم‌ترین نهاد مورد اعتماد مردم است. حاجبانی می‌گوید، در پیمایش‌های مختلف حدود ۵۸ تا ۶۰ درصد مردم به خانواده والدین خود اعتماد دارند. پس از آن علما و روحانیون با حدود ۱۵ درصد و استادان دانشگاه با ۱۱ درصد قرار دارند.

اما مهم‌ترین عددی که حاجبانی مطرح می‌کند به نگرش مردم نسبت به «وضع موجود» مربوط است. به گفته او در پیمایشی در سال‌های ۸۲ یا ۸۳ تنها حدود ۸ درصد مردم خواهان تغییرات بنیادی بودند؛ این رقم امروز به حدود ۶۷ درصد رسیده است. او این تغییر را نتیجه یک روند بلندمدت در جامعه می‌داند.

نخستین مدیر ایسپا همچنین خاطره‌ای از برخورد قضایی با یکی از نظر‌سنجی‌های این مرکز نقل می‌کند. در سال‌های ۸۲ یا ۸۳ سه مؤسسه درباره نگرش مردم به رابطه با آمریکا نظر‌سنجی کردند و نتایج هر سه حاکی از نگاه مثبت بخش قابل‌توجهی از مردم به این رابطه بود. انتشار این نتایج با برخورد قضایی همراه شد؛ اتفاقی که حاجبانی آن را نقطه‌عطف افزایش حساسیت نسبت به انتشار نتایج نظر‌سنجی‌ها می‌داند. او در عین حال از دشوارتر شدن سنجش افکار عمومی سخن می‌گوید. به گفته حاجبانی از حدود سال ۱۴۰۱ نزدیک به ۷۰ درصد افراد به پرسش‌نامه‌ها پاسخ نمی‌دهند و نرخ پاسخگویی به حدود ۲۶ تا ۳۰ درصد رسیده است. از نگاه حاجبانی، سال ۱۴۰۱ نقطه عطفی در تحولات اجتماعی ایران بود؛ تحولی که فقط به پوشش و سبک زندگی محدود نماند و نگرش‌های سیاسی و اجتماعی را نیز تغییر داد. او معتقد است، جامعه در سال‌های آینده نیز تغییر خواهد کرد و مدیریت این تغییرات نه با سیاست‌های یک‌طرفه بلکه با گفت‌وگو و مشارکت بیشتر گروه‌های مختلف جامعه امکان‌پذیر است.

ادامه تیتیر یک

کمیته شش نفره

رد پای یک کمیته قدیمی

این نخستین‌بار نیست که از چنین سازوکاری صحبت می‌شود. عباس عراقچی، وزیر امور خارجه هم حدود دو ماه پیش در گفت‌وگو با برنامه «ماجرای جنگ» روایت دقیق‌تری از پشت صحنه این ساختار ارائه کرده بود. او ۲۸ تیرماه در توضیح روند تصمیم‌گیری درباره مذاکرات گفت که پیش از آنکه نام «کمیته‌نفره» روی این سازوکار گذاشته شود، کمیته‌ای با عنوان «کمیته هسته‌ای» در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی فعالیت می‌کرد. بعدها این کمیته به «کمیته مذاکره» تبدیل و در نهایت به کمیته‌نفره معروف شد. عراقچی گفت که موضوعاتی مانند اصل مذاکره، چارچوب، اصول و قواعد آن در این جلسات بررسی و جمع‌بندی می‌شد و مصوباتش نیز مسیر مصوبات شورای عالی امنیت ملی را طی می‌کرد. عراقچی در توضیح سابقه این کمیته گفته بود که در ابتدا شهیدششمخانی برای مدتی طولانی مسئولیت آن را برعهده داشت و پس از او، شهید لاریجانی که در آن مقطع دبیر شورای عالی امنیت ملی بود، ریاست کمیته را در دست گرفت. عراقچی در روایت خود از روزهای جنگ نیز از سازوکاری سخن گفته که در شرایط جنگی، امکان تصمیم‌گیری سریع و «در لحظه» درباره مذاکرات را فراهم می‌کرد. به این ترتیب به‌نظر می‌رسد، آنچه امروز پزشکیان از آن به‌عنوان یک تیم‌نفره یاد می‌کند، در امتداد همان سازوکاری قرار می‌گیرد که وزیر امور خارجه پیش‌تر درباره آن توضیح داده بود؛ سازوکاری برای هماهنگ کردن دیدگاه‌های نهادهای مختلف و جمع‌بندی تصمیم‌ها درباره پرونده‌های حساس سیاست خارجی. هرچند هنوز سندی رسمی درباره فهرست کامل اعضای ترکیب فعلی منتشر نشده است. اما اگر بخواهیم قطعات این پازل را کنار هم بگذاریم، ناها چندان هم دور از دسترس نیستند.

براساس گفت‌وگوهایی که «سازندگی» با پنج چهره سیاسی انجام داده یک ترکیب‌نفره به‌اضافه رییس‌جمهور بیش از سایر گزینه‌ها تکرار می‌شود: محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی؛ محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی؛ عباس عراقچی، وزیر امور خارجه؛ سردار احمد وحیدی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سردار علی عبداللهی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و وزیر اطلاعات که هم اکنون بدلیل شهادت خطیب (وزیر) با سرپرستی اداره می‌شود. این فهرست البته اعلام رسمی دولت یا شورای عالی امنیت ملی نیست؛ بلکه برآیند قرائن موجود و ارزیابی پنج چهره سیاسی است که «سازندگی» با آنها گفت‌وگو کرده است. در این میان، حضور پزشکیان بالای سر کمیته و عراقچی از نظر جایگاه سیاسی روشن‌تر است. پزشکیان رئیس دولت و عالی‌ترین مقام اجرایی کشور است و عراقچی مسئول مستقیم دستگاه دیپلماسی. قالیباف نیز در رأس قوه مقننه قرار دارد و در ساختار شورای عالی امنیت ملی نیز جایگاه حقوقی دارد. او برای هفتمین سال رئیس مجلس شده است. محسن رضایی اما یک حلقه مهم دیگر را به این جمع اضافه می‌کند: شورای عالی امنیت ملی. او در ۱۸ مرداد ۱۴۰۵ و پس از محمدباقر ذوالقدر با حکم پزشکیان دبیر شورای عالی امنیت ملی شد و هم‌زمان به‌عنوان نماینده رهبر در این شورا منصوب شد. دو صندلی نظامی این میز هم به احمد وحیدی و علی عبداللهی می‌رسد. وحیدی از ۱۹ مرداد ۱۴۰۵ با حکم رهبر، فرمانده کل سپاه پاسداران شده است؛ عبداللهی نیز در همان روز به ریاست ستاد کل نیروهای مسلح منصوب شد. یک صندلی هم به سرپرست یا نماینده وزارت اطلاعات اختصاص دارد. به این ترتیب، ترکیب پیشنهادی تقریباً تمام اضلاع سیاست خارجی-امنیتی اطلاعاتی را کنار هم قرار می‌دهد.

مرعشی: سیاستگذاری و اجرا می‌کنند

سیدحسین مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران، درگفت‌وگو با «سازندگی» ترکیب ۶ نفره را صریح‌تر از دیگران ترسیم می‌کند. او معتقد است این ۶ نفر عبارتند از: مسعود پزشکیان، محمدباقر قالیباف، محسن رضایی، عباس عراقچی، احمد وحیدی و علی عبداللهی. مرعشی اما در کنار این فهرست بر نکته دیگری هم تأکید دارد: به گفته او «از طرف رهبر کسی شرکت نمی‌کند». این روایت با آنچه پزشکیان در مصاحبه اخیر خود گفته تا حدی هم‌راستا است؛ چراکه رئیس‌جمهور نیز در توضیح ترکیب این تیم از حضور نمایندگانی از نهادهای امنیتی، مجلس و دولت سخن گفت اما اشاره‌ای به حضور مستقیم نماینده دفتر رهبری نکرد. با این حال عدم حضور نماینده‌ای از دفتر رهبری در این جمع به معنای مستقل بودن تصمیم‌های آن از رهبری نیست بلکه یک سازوکار هماهنگی در سطوح مختلف حاکمیت است که تصمیم‌ها را برای اجرا و سیاستگذاری جمع‌بندی می‌کند.

هاشمی: یک احتمال دیگر هم هست

علی هاشمی، قائم‌مقام دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران نیز در گفت‌وگو با «سازندگی» تقریباً به همین ترکیب رسیده است اما دو اسم دیگر را هم به‌عنوان احتمالات مطرح می‌کند. او احمد وحیدی، مسعود پزشکیان، محمدباقر قالیباف، غلامحسین محسنی‌آزادی، عباس عراقچی و علی عبداللهی را ۶ چهره محتمل می‌داند. هاشمی در عین حال می‌گوید محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور و محسن رضایی نیز ممکن است در این سازوکار حضور داشته باشند. این لیست اما یک تفاوت اساسی با فهرست مرعشی دارد و در آن، جای دبیر شورای عالی امنیت ملی با رئیس قوه قضائیه عوض می‌شود.

عطریان‌فر: تحت نظر رئیس‌جمهور

محمد عطریان‌فر، معاون سیاسی دبیرکل و عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران در گفت‌وگو با «سازندگی» درباره ترکیب کمیته ۶ نفره معتقد است که این‌شورا که زیر نظر پزشکیان، ماموریت‌های محوله را پیش می‌برند در واقع ۷ نفرند و صغاره و چکیده‌ای از چهره‌های حقوقی است که به‌صورت ذاتی در حوزه مسائل امنیتی اطلاعاتی و سیاست خارجی مسئولیت دارند و در شورای عالی امنیت ملی نیز حضور و عضویت دارند. اگر ترکیب این شورا را مورد توجه قرار دهیم، مشخص است که این ۶ نفر به دلیل جایگاه و وظایف ذاتی خود عملاً ماموریت‌های اصلی این کمیته را در شرایط جنگ تمام‌عیار تحمیلی پوشش می‌دهند و نبود برخی دیگر از اعضای شورای عالی امنیت ملی، خللی در روند کار ایجاد نمی‌کند. عضو شورای اطلاع‌رسانی دولت در تشریح این ترکیب می‌گوید: «بر این اساس، آقای محمدباقر قالیباف یکی از اعضای قطعی این ترکیب است؛ چراکه مسئولیت مذاکرات بر دوش ایشان قرار دارد و از سوی دیگر به‌عنوان رئیس یکی از قوای سه‌گانه کشور، این امکان را دارد که نمایندگان مجلس را در جریان اقدامات و روندهای مربوط قرار دهد». عطریان‌فر معتقد است که «وزیر اطلاعات و وزیر امور خارجه نیز به دلیل مسئولیت و حوزه مأموریت ذاتی خود از دیگر اعضای این ترکیب هستند. همچنین دبیر شورای عالی امنیت ملی هم به‌عنوان دبیر و هم به‌عنوان نماینده رهبری در شورا در این کمیته حضور خواهد داشت. در کنار این افراد فرمانده سپاه پاسداران و رئیس ستاد کل نیروهای مسلح نیز به دلیل نقش مستقیم در مسائل دفاعی، امنیتی و راهبردی در ترکیب ۶ نفره قرار می‌گیرند».

عطریان‌فر درباره جایگاه رئیس‌جمهور در رأس این ساختار نیز تأکید می‌کند: «مسعود پزشکیان عضو این کمیته ۶ نفره نیست اما به یک معنا شخصیت بالادستی این مجموعه محسوب می‌شود؛ هم از این جهت که رئیس‌جمهور است و هم به‌عنوان رئیس شورای عالی امنیت ملی بر روند کلی فعالیت‌های این مجموعه اشراف دارد». به گفته او، گزارش‌های کمیته ۶ نفره از طریق ریاست‌جمهوری

پیگیری می‌شود و مسائل پیش آمده نیز با تدبیر و هماهنگی این ۶ نفر و با حضور رئیس‌جمهور به‌عنوان شخصیت هفتم، قابل بررسی و تصمیم‌گیری خواهد بود.

خانجانی: شاید یک صندلی برای بیت

جهانبخش خانبجانی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب و عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران نیز ترکیبی شامل محسن رضایی، غلامحسین محسنی‌آزاده‌ای، محمدباقر قالیباف، مسعود پزشکیان، علی عبداللهی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و عباس عراقچی را محتمل می‌داند. اما خانبجانی در این بخش با مرعشی اختلاف‌نظر دارد. او معتقد است «حتماً» فردی از دفتر رهبر در این سازوکار حضور دارد؛ هرچند به گفته او این فرد ممکن است بدون حق رأی در جلسات شرکت کند. خانبجانی در این میان از حسین فدایی به‌عنوان یکی از گزینه‌های احتمالی برای چنین حضوری نام می‌برد. او در عین حال از حسین طائب نیز به‌عنوان یکی از گمانه‌های مطرح از سوی برخی درباره افراد حاضر در این سازوکار یاد می‌کند و احتمال حضور نماینده‌ای از سپاه در حاشیه جلسات را نیز بعید نمی‌داند.

مهاجرى: سه قوه در کنار سه ضلع امنیتی

محمد مهاجرى، فعال رسانه‌ای اصولگرا نیز در گفت‌وگو با «سازندگی» یک ترکیب متفاوت اما از نظر ساختاری قابل توجه ارائه می‌کند: سران سه قوه، محسن رضایی، عباس عراقچی و سردار علی عبداللهی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح. اگر این روایت را کنار اظهارات پزشکیان بگذاریم یک الگوی متفاوت شکل می‌گیرد: سه قوه در کنار شورای عالی امنیت ملی، وزارت امور خارجه و ستاد کل نیروهای مسلح. در واقع اختلاف میان این چهار روایت بیشتر بر سر دو صندلی است. پزشکیان، عراقچی و قالیباف تقریباً در همه روایت‌ها حضور دارند. حضور یک مقام نظامی ارشد و دبیر شورای عالی امنیت ملی هم با ساختار تصمیم‌گیری امنیتی کشور همخوانی دارد. اختلاف اصلی بر سر این است که دو نفر دیگر این جمع چه کسانی هستند؟ سرپرست وزارت اطلاعات، فرمانده کل سپاه، رئیس قوه قضائیه، معاون اول رئیس‌جمهور یا نماینده‌ای از دفتر رهبر؟

یک نکته مهم‌تر

اهمیت حرف پزشکیان فقط در این نیست که ۶ اسم پشت یک میز را پیدا کنیم. بخش مهم‌تر ماجرا این است که رئیس‌جمهور وقتی می‌خواهد از نحوه تصمیم‌گیری درباره سیاست خارجی بگوید از یک جمع محدود و چندنهادی صحبت می‌کند. جمعی که در آن دولت تنها تصمیم‌گیر نیست و نمایندگانی از نهادهای مختلف کنار هم قرار دارند. از سوی دیگر سخنان عراقچی نشان می‌دهد که چنین سازوکاری دست‌کم در موضوع مذاکرات سابقه دارد. با این حال یک احتیاط مهم ضروری است: فهرستی که در این گزارش مطرح می‌شود، فهرست رسمی اعضای کمیته نیست. پزشکیان نامی از اعضا نبرده و حتی میان پنج چهره سیاسی که «سازندگی» با آنها گفت‌وگو کرده درباره دو یا چند صندلی اختلاف‌نظر وجود دارد. اما اگر بخواهیم براساس بیشترین همپوشانی و جایگاه‌های رسمی فعلی، محتمل‌ترین تصویر را ترسیم کنیم ۶ نام علاوه بر پزشکیان بیشتر از بقیه مطرح هستند: مسعود پزشکیان، محمدباقر قالیباف، محسن رضایی، عباس عراقچی، احمد وحیدی، علی عبداللهی و مسئول نهاد اطلاعاتی کشور.

این ۶ نفر اگر همان ترکیبی باشند که برخی چهره‌های سیاسی درباره آن سخن گفته‌اند، یک تصویر معنادار از اتاق تصمیم‌گیری سیاست خارجی ارائه می‌کنند: دولت، مجلس، دیپلماسی و شورای عالی امنیت ملی هر یک در یک صندلی و ساختار نظامی در دو صندلی. فعلاً اما در این اتاق بسته مانده است؛ اتاقی که رئیس‌جمهور از وجودش خبر داده، وزیر امور خارجه پیش‌تر درباره سازوکارش توضیح داده اما نام کسانی که پشت آن میز می‌نشینند هنوز رسماً اعلام نشده است.

إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

ترجمان مرگ، حضور جاودانه انسان در محضر خداست

حضرت حجت الاسلام والمسلمین

علی اکبر ناطق نوری

ضایعه درگذشت برادر گرامی جنابعالی باعث تأثر و تالم فراوان گردید.

بدین وسیله مراتب تسلیت ما را پذیرا باشید.

برای ایشان، رحمت و غفران واسعه الهی و برای شما و خاندان معزز، صبر و اجر مسئلت داریم.

حزب کارگزاران سازندگی ایران

كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ

برادر ارجمند

جناب حجت الاسلام والمسلمین

علی اکبر ناطق نوری

با کمال تاسف و تأثر درگذشت برادر گرامی‌تان را تسلیت عرض می‌نمایم.

روحشان قرین رحمت واسعه الهی و خلد برین سرایشان باد.

سیدحسین مرعشی

شکار دوم

ایران ریموس ۶۰۰ را شکار کرد

گروه بین‌الملل: تنگه هرمز که در ماه‌های اخیر به یکی از اصلی‌ترین صحنه‌های رویارویی ایران و آمریکا تبدیل شده این بار شاهد تقابل در اعماق آب‌ها بوده است. نیروی دریایی سپاه پاسداران اعلام کرده یک زیردریایی بدون سرنشین آمریکایی دیگر را در این آبراه به غنیمت گرفته است؛ سامانه‌ای از نوع Remus ۶۰۰ که به گفته سپاه برای مأموریت‌های اطلاعاتی در تنگه هرمز فعالیت می‌کرده است. این دومین سامانه زیرسطحی آمریکایی است که تهران از توقیف آن خبر می‌دهد. سپاه در اطلاعیه خود اعلام کرده این عملیات با استفاده از توان اطلاعاتی و جنگ الکترونیک انجام شده و سامانه توقیف شده اکنون در اختیار متخصصان نیروی دریایی سپاه قرار دارد تا اطلاعات ذخیره شده در آن بازیابی شود. همزمان سپاه بار دیگر اعلام کرده، تنگه هرمز مسدود است و با هرگونه تردد غیرمجاز یا تحرک خطرناک در این آبراه برخورد خواهد کرد.

چرا Remus ۶۰۰ اهمیت دارد؟

Remus ۶۰۰ یک وسیله زیرآبی خودکار است که برای انجام مأموریت‌های طولانی در زیر آب طراحی شده و می‌تواند

دیپلماسی

قمار آمریکایی

ترامپ توافق را رد کرد، اما میانجی‌ها همچنان در تلاش هستند

گروه بین‌الملل: در ظاهر، تهران و واشنگتن هنوز در حال ارزیابی مواضع یکدیگرند؛ میانجی‌ها پیام‌ها را منتقل می‌کنند و هر دو طرف از مذاکره و توافق سخن می‌گویند. اما در پشت این رفت‌وآمد دیپلماتیک، یک اختلاف اساسی باقی مانده است: چه کسی باید قدم اول را بردارد و این قدم باید چه باشد؟ تنگه هرمز اکنون به مهم‌ترین نقطه برخورد دو روایت متفاوت از جنگ تبدیل شده است؛ روایتی که واشنگتن از «کنترل» و «پیروزی» ارائه می‌دهد و روایتی که تهران براساس آن، بازگشایی تنگه را به تحقق مجموعه‌ای از شروط گره زده است.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، پیش از ترک کاخ سفید اعلام کرد، پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران برای بازگشایی فوری تنگه هرمز را رد کرده است. او گفت: «من پیشنهاد آنها را رد کرده‌ام. آنها می‌خواهند، توافقی انجام دهند که براساس آن تنگه را فوراً باز کنند چون به‌شدت در حال شکست خوردن هستند».

ترامپ در ادامه تلاش کرد، تصویری از برتری کامل آمریکا در منطقه ارائه دهد. به گفته او، واشنگتن «کنترل کامل تنگه هرمز» را در اختیار دارد و حجم زیادی نفت از این مسیر عبور می‌کند. او با اشاره به عبور ۲۹ کشتی در یک شب گفت، ایران خواهان توافق است

اما توافقی که تهران پیشنهاد داده برای آمریکا قابل قبول نیست. رئیس‌جمهور آمریکا در توضیح این موضع حتی از تعبیر «بزرگ‌ترین محاصره تاریخ نظامی» استفاده کرد و گفت واشنگتن با ایجاد یک «دیوار فولادی» در اطراف تنگه شرایطی ایجاد کرده که ایران دیگر قادر به کسب درآمد مورد انتظار خود نیست. او همچنین در پیامی کوتاه در شبکه اجتماعی تروث‌سوشال نوشت: «ایران نمی‌تواند، سلاح هسته‌ای داشته باشد!!!!»

او در ادعایی عجیب بیان کرد که دو شب پیش، آمریکا مقدار بی‌سابقه‌ای از نفت را از تنگه هرمز استخراج کرده است. او گفت به محض اینکه ایران تسلیم شود، قیمت نفت کاهش خواهد یافت.

اختلاف بر سر قدم اول

اما در سوی دیگر، تهران روایت متفاوتی دارد. عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، در واکنش به اظهارات ترامپ گفت که ایران نخستین واکنش رئیس‌جمهور آمریکا

تا عمق حدود ۶۰۰ متر فعالیت کند. این سامانه با استفاده از سامانه‌های ناوبری و حسگرهای مختلف قادر است، بخش قابل‌توجهی از مأموریت خود را بدون ارتباط دائمی با اپراتور انجام دهد. سونار، نقشه‌برداری از بستر دریا و جمع‌آوری داده‌های محیطی ازجمله قابلیت‌هایی است که برای چنین سامانه‌هایی اهمیت دارد.

بنابراین ارزش این غنیمت تنها به بدنه یک وسیله زیرآبی محدود نمی‌شود. اگر اطلاعات مأموریت در حافظه سامانه باقی مانده باشد، داده‌های مربوط به مسیر حرکت، نقاط بررسی شده، تصاویر سوناری، عمق آب، الگوی جست‌وجو و برخی تنظیمات عملیاتی می‌تواند برای طرف مقابل ارزش اطلاعاتی داشته باشد. البته میزان واقعی اطلاعات قابل بازیابی و سطح حساسیت آنها هنوز به‌طور مستقل مشخص نشده است.

دومین شکار در یک ماه

این اتفاق پس از آن رخ داده که سپاه در ۱۷ شهریور از توقیف یک سامانه زیرسطحی دیگر آمریکا در ورودی تنگه هرمز خبر داد. آن سامانه Dive-LD ساخت شرکت آمریکایی Anduril

بود؛ وسیله‌ای حدود ۵.۸ متر که برای مأموریت‌هایی مانند مقابله با مین، نقشه‌برداری از بستر دریا، جمع‌آوری اطلاعات و بازرسی زیرساخت‌های زیرآبی طراحی شده است. اما درباره حادثه نخست، روایت تهران و واشنگتن متفاوت بود. مقام‌های نظامی آمریکا گفتند Dive-LD پیش از توقیف دچار نقص فنی شده و فاقد تجهیزات محرمانه بوده است. شرکت Anduril نیز تأکید کرده بود این سامانه‌ها اساساً برای فعالیت در محیط‌های پرخطر ساخته شده‌اند و از دست رفتن آنها بخشی از ریسک چنین مأموریت‌هایی است.

نبردی فراتر از یک غنیمت

اهمیت حادثه دوم زمانی بیشتر می‌شود که دو طرف در حال رقابت برای شناخت زیرسطح تنگه هرمز هستند. کارشناسان نظامی غربی معتقدند، دسترسی فیزیکی به چنین سامانه‌هایی

می‌کنند. تهران می‌گوید، بازگشایی هرمز باید بخشی از یک معامله بزرگ‌تر باشد؛ واشنگتن می‌گوید ابتدا باید در موضوع هسته‌ای امتیاز داده شود سپس درباره مسائل دیگر صحبت کرد.

العربیه نیز به نقل از یک منبع آمریکایی گزارش داده که ترامپ به تیم مذاکره‌کننده خود اعلام کرده بدون اقدام اولیه ایران، توافقی در کار نخواهد بود. همین منبع گفته است، امکان بازگشت به تفاهم‌نامه پیشین با ایران وجود ندارد. بنابراین آنچه در ظاهر یک اختلاف درباره یک آبراه مهم است در واقع به اختلافی بزرگ‌تر درباره ترتیب امتیازدهی تبدیل شده است.

قمار واشنگتن

دنی سیتیروویچ، تحلیلگر مسائل غرب آسیا، رد پیشنهاد ایران از سوی واشنگتن را یک «قمار بزرگ» توصیف کرده است. از نگاه او این تصمیم ممکن است، تهران را به این نتیجه برساند که حفظ وضعیت موجود، سودی ندارد و باید به سمت تشدید تنش حرکت کند. منطق این تحلیل روشن است: اگر آمریکا فشار را برای بهبود موقعیت چانه‌زنی خود افزایش دهد، ایران نیز ممکن است پاسخ متقابل بدهد و در نتیجه هزینه فشار برای واشنگتن افزایش پیدا کند. به این ترتیب مذاکره‌ای که قرار بود راهی برای کاهش تنش باشد، می‌تواند به چرخه‌ای از فشار و واکنش تبدیل شود. این همان نقطه‌ای است که اهمیت هرمز را فراتر از یک مسیر کشتیرانی نشان می‌دهد. هر تحول در این آبراه مستقیماً بر انرژی، تجارت جهانی و محاسبات اقتصادی طرف‌های درگیر اثر

می‌گذارد.

پایان جنگ یا ادامه فرسایش؟

جان مرشایمر، استاد علوم سیاسی دانشگاه شیکاگو و نظریه‌پرداز برجسته مکتب واقع‌گرایی نیز بر این باور است که تهران در شرایط کنونی، ادامه مقاومت را بر پذیرش امتیازات گسترده ترجیح می‌دهد و تا نفر آخر نیز خواهد جنگید. مرشایمر همچنین معتقد است، آمریکا در برابر ایران و انصارالله یمن، گزینه نظامی کارآمدی در اختیار ندارد و ادامه جنگ می‌تواند، فشار اقتصادی گسترده‌تری بر جهان ایجاد کند؛ فشاری که از نگاه او در نهایت می‌تواند، ترامپ را به سمت توافق با تهران سوق دهد. با این حال در شرایط فعلی هنوز چنین نقطه‌ای فرا نرسیده است. تهران از یک «راه‌حل مذاکره‌شده» سخن می‌گوید اما آن را مشروط به تحقق شروط خود می‌داند. واشنگتن نیز اصل توافق را رد نمی‌کند اما تأکید دارد که بدون اقدام اولیه ایران، توافقی شکل نخواهد گرفت.



می‌تواند امکان بررسی برخی حسگرها، سامانه‌های ناوبری، تجهیزات صوتی و معماری سخت‌افزاری آنها را فراهم کند. رویترز نیز درباره توقیف Dive-LD نوشته بود که چنین رخدادی می‌تواند، فرصتی برای مهندسی معکوس برخی فناوری‌ها ایجاد کند هرچند محدودیت‌های نرم‌افزاری و نبود تجهیزات طبقه‌بندی شده، می‌تواند ارزش آن را کاهش دهد. از این منظر رویارویی در هرمز دیگر تنها بر سطح آب و مسیر حرکت کشتی‌ها جریان ندارد. در زیر آب نیز جنگی بر سر شناسایی، شنود، نقشه‌برداری و کنترل محیط دریایی در جریان است. شکار دومین سامانه آمریکایی نشان می‌دهد رقابت تهران و واشنگتن برای برتری اطلاعاتی در هرمز وارد لایه‌ای تازه شده است؛ لایه‌ای که در آن یک وسیله کوچک و بی‌سرنشین می‌تواند، حامل اطلاعاتی بسیار بزرگ‌تر از اندازه خود باشد.

خاورمیانه

ترس عربی

مدارس ریاض غیرحضورى شد

سخت‌نگوی نیروهای مسلح یمن از شهادت و زخمی شدن حدود ۵۰ نفر در حملات دیروز جنگنده‌های عربستان سعودی به استان‌های تعز و جوف خبر داد. به نقل از المسیره یحیی سریع، سخت‌نگوی نیروهای مسلح یمن در بیانیه‌ای اعلام کرد که روز گذشته یک فروند جنگنده اف-۱۵ عربستان سعودی از پایگاه خمیس مشیط به سمت استان تعز حرکت کرد و ساعت ۱۱:۲۹ صبح به وقت محلی دو حمله هوایی به بازار تعز در منطقه مفرق ماویه انجام داد. وی افزود که این حملات به شهادت و زخمی شدن حدود ۵۰ غیرنظامی منجر شده که این آمار اولیه است. یحیی سریع ادامه داد که جنگنده مذکور ساعت ۱۱:۳۷ تعز را ترک کرد و به سمت استان جوف پرواز کرد و چهار حمله هوایی علیه شهرستان خب و الشعب انجام داد و در ساعت ۱۴ به پایگاه خمیس مشیط در عربستان بازگشت.

سخت‌نگوی نیروهای مسلح یمن همچنین با محکوم کردن این حملات گفت که خون قربانیان حمله به بازار ماویه در استان تعز، پیامدهای سنگینی برای عوامان آن به‌دنبال خواهد داشت. این حملات درحالی انجام شده که درگیری‌ها میان نیروهای مسلح یمن و نیروهای مورد حمایت عربستان در مناطقی از یمن تشدید شده است.

این درگیری‌ها با پیشروی نیروهای مسلح یمن و عقب‌نشینی نیروهای وابسته به عربستان از چند منطقه همراه بوده است. سخت‌نگوی نیروهای مسلح یمن اعلام کرد یک فروند پهپاد مسلح «کارال» ارتش عربستان سعودی را در استان حجه سرنگون کرده است. در پی بالا گرفتن درگیری‌ها، آموزش در مدارس شهر ریاض عربستان از روز یکشنبه تا پایان هفته مجازی اعلام شد؛ همزمان برگزاری کلاس‌های حضوری در برخی مراکز آموزشی در ابها، خمیس‌مشیط و احد رقیده نیز برای امروز (دوشنبه) لغو شده است. در برخی گزارش‌ها و گمانه‌زنی‌های رسانه‌ای احتمال داده شده که این تصمیم ملاحظاتی امنیتی در پی تحولات منطقه‌ای ازجمله رهگیری حملات ارتش یمن باشد؛ برخی نیز احتمال ارتباط آن را با برگزاری کنفرانس‌ها و نمایشگاه‌هایی در پایتخت مطرح کرده‌اند. اما هیچ‌یک از این علت‌ها به‌طور رسمی تأیید نشده است.



ادبیات جهان

مردانگی در قرن بیست‌ویکم

فهرست نهایی **جایزهٔ بوکر ۲۰۲۶** منتشر شد



بنیاد جایزهٔ بوکر هم‌زمان با اعلام فهرست نهایی نامزدهای جایزه بوکر ۲۰۲۶، مسابقه‌ای برای اهدای مجموعهٔ شش‌گانه آثار رایافته به این فهرست و کیف ویزه جایزهٔ بوکر برگزار می‌کند. بنا بر اعلام پایگاه رسمی جایزهٔ بوکر، به مناسبت اعلام فهرست نهایی نامزدهای جایزه بوکر ۲۰۲۶، برگزارکنندگان این جایزه پنج بسته شامل هر شش کتاب رایافته به فهرست نهایی، یک دفتر یادداشت چرمی از برند «فورت‌تام اند میسون» و یک کیف و پژه جایزه بوکر را به برندگان اهدا خواهند کرد.

فهرست نهایی جایزه بوکر ۲۰۲۶، علاوه بر معرفی آثار برگزیده این دوره، تصویری قابل‌توجه از دغدغه‌های ادبیات معاصر دربارهٔ هویت و جایگاه مردان در جهان امروز ارائه می‌دهد. چهار نویسنده مرد و دو نویسنده زن در این فهرست حضور دارند و نکته مهم‌تر آن است که تقریباً همهٔ آثار رایافته به مرحله نهایی، به شکلی متفاوت با مسئلهٔ مرد بودن، بحران هویت، تنهایی، آسیب‌پذیری و جست‌وجوی ارتباط انسانی درگیر هستند. این موضوع در آثار نویسندگان زن نیز دیده می‌شود. در «باشد که به پادشاه غذا بدهیم» (May We Feed the King) اثر ریکا پری، شخصیت اصلی پادشاهی در قرون وسطی است که تمایلی به ایفای نقش پادشاه ندارد. در «چیزهایی که هرگز نمی‌گوییم» (The Things We Never Say) نوشتهٔ الیزابت استراوت نیز یک معلم تاریخ ۵۷ ساله در ماساچوست معاصر در مرکز داستان قرار دارد. به این‌ترتیب، مسئله مردانگی در فهرست امسال محدود به نویسندگان مرد نیست و به موضوعی مشترک در بخش قابل‌توجهی از آثار تبدیل شده است.

«ناپدیدشدنندگان» (The Disappears) نوشتهٔ مارلون جیمز و «جانِ جان / John of John» اثر ادگلاس استوارت، که هر دو از برندگان پیشین بوکر هستند، به تجربهٔ مردان جوان در جامعهٔ امروز می‌پردازند. شخصیت‌های این دو رمان با مسئلهٔ هویت و فشارهای اجتماعی مواجه هستند و تلاش می‌کنند جایگاه خود را در محیط پیدا کنند. در «پایان همه چیز» (The End of Everything) اثر ام. جان هریسون، شخصیت اصلی در انگلستان پس‌آثارآلزمانی تلاش می‌کند در جهانی گرفتار بحران و هجوم موجوداتی ناشناخته زنده بماند. فضای علمی-تخیلی این اثر نیز بستری برای بررسی اضطراب، ناامنی و تلاش انسان برای یافتن معنا در شرایطی است که نظم آشنای جهان از بین رفته است.

«کیف سیاه» (Black Bag) نوشتهٔ لوک کنارد نیز با رویکردی کم‌دی به مسئلهٔ مردانگی می‌پردازد. شخصیت اصلی، بازگرگی بیکار است که شغلی پیدا می‌کند و مجبور است همواره یک کیسه سیاه بر سر داشته باشد. این ایده به آزمایشی روان‌شناسی اجتماعی در سال ۱۹۶۷ مربوط است و در رمان به استعاره‌ای از تجربه مردانی تبدیل می‌شود که احساس سردرگمی، نارضایتی و بی‌هدفی دارند.

در گزارش گاردین آمده است شخصیت‌های مرد در آثار منتخب بوکر ۲۰۲۶ شباهت اندکی به تصویر سنتی مرد قدرتمند، مسلط و شکست‌ناپذیر دارند. آن‌ها پدران، پسران، همسران، دلدادگان، پادشاهان و مردانی شکست‌خورده‌اند که با نوعی بحران شخصی یا اجتماعی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، در بسیاری از این آثار، مسئله اصلی جست‌وجوی معنا، اهداف و ارتباط با دیگران است. این رویکرد را می‌توان در ادامهٔ تغییرات گسترده‌تر ادبیات امروز جهان دید. در سال‌های اخیر، رمان‌هایی دربارهٔ زنان جوان و به قلم نویسندگان زن حضور پررنگی در بازار کتاب داشته‌اند و این روند تا حدی واکنشی به دوره طولانی سلطه روایت‌های مردمحور بوده است به همین دلیل نگاه ادبی به مردان نیز تغییر کرده و شخصیت‌هایی پیچیده‌تر، آسیب‌پذیرتر و دورتر از کلیشه‌های سنتی مردانگی وارد داستان‌ها شده‌اند.

دیوید زالای، برندهٔ بوکر ۲۰۲۵ با رمان «گوشت» (Flesh) نیز در آثار خود به تجربه مردان در قرن بیست‌ویکم پرداخته است. در کنار او، نویسندگانی مانند بن لرنر نیز به بررسی زندگی، فناوری، روابط و هویت مردان معاصر توجه داشته‌اند. هم‌زمان، نگرانی دربارهٔ کم‌رنگ شدن حضور نویسندگان مرد در ادبیات نیز موجب شکل‌گیری جریان‌هایی تازه، از جمله تأسیس ناشرانی با تمرکز اختصاصی بر آثار نویسندگان مرد، شده است. فهرست نهایی بوکر ۲۰۲۶ تصویری از مردانی ارائه می‌دهد که دیگر نمی‌توان آن‌ها را براساس الگوهای سنتی قدرت، اقتدار و قهرمانی تعریف کرد. مردان این داستان‌ها با تردید، تنهایی، آسیب‌پذیری و نیاز به ارتباط انسانی روبه‌رو هستند و همین ویژگی‌ها، مسئلهٔ مردانگی را از یک موضوع فردی به یکی از دغدغه‌های اجتماعی و فرهنگی ادبیات امروز تبدیل کرده است.



محمد میرشکرایی، مردم‌شناس برجسته و پژوهش‌گر نامدار فرهنگ عامه ایران، ۴ مهر چشم از جهان فروبست. نام میرشکرایی با ده‌ها پژوهش میدانی در زمینهٔ آئین‌ها، اسطوره‌ها و میراث ناملموس ایران پیوند خورده بود. ثبت جهانی نوروز یکی از اقدامات درخشان او بود که به همین دلیل در سال ۱۳۹۷ و در آئین جهانی نوروز، از وزیر امور خارجه، نشان نوروز را دریافت کرد. بخشی از آثار او هم به آئین‌های سوگواری اختصاص دارد.

محمد میرشکرایی، زادهٔ سال ۱۳۲۱ در شهر تفرش بود. پس از عزیمت به تهران دورهٔ دبیرستان را در مدرسه شرف گذراند و انجمن ادبی را زیر نظر استاد «ابولقاسم جنتی عطایی» به همراه تی چند از همکلاسی‌های خود بنیان گذاشت. در سال ۱۳۴۱ نیز کانون جوانان تفرش را دایر و نخستین دست‌نوشته‌های خود را با موضوعات فرهنگی و اجتماعی در نشریهٔ آن منتشر کرد.

میرشکرایی دورهٔ کارشناسی ارشد خود را در رشتهٔ فرهنگ و زبان‌های باستانی و سپس دورهٔ دکتری را در کشور تاجیکستان گذراند و در سال ۱۳۵۲ به استخدام مرکز مردم‌شناسی ایران در وزارت فرهنگ و هنر درآمد و مسئولیت حوزهٔ مرکزی (شامل استان‌های امروزی تهران، قم، قزوین، و البرز) را عهده‌دار شد.

محمد میرشکرایی در سال‌های پس از انقلاب نقشی تعیین‌کننده در تداوم فعالیت‌های پژوهشی در مرکز و پژوهش‌کدهٔ مردم‌شناسی کشور داشت. دوران مدیریت ۱۸ ساله او در پژوهش‌کدهٔ مردم‌شناسی از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۶ با هدایت صدها پروژهٔ میدانی و انتشار ده‌ها عنوان کتاب همراه بود.

گفت‌وگو: سینمای جهان

زخم‌های راکی

اعترافات و مصائب سیلوستر استالونه؛ ستاره بزرگ سینما

سیلوستر استالونه ۵۰ سال است که در تخیل جمعی ما حضوری پررنگ دارد؛ از زمانی که با بازی در نقش بوکسور زیردست و نمادین، «راکی بالبوآ» روی پرده سینما رفت، فیلمی که خودش فیلم‌نامه‌اش را نوشته بود و برنده جایزه اسکار بهترین فیلم شد. پس از آن، فیلم‌های بسیار دیگری از «راکی» ساخته شد و همچنین فرانچایز دیگری بنام «رامبو» ظهور کرد که نویدبخش دوران جدیدی از فیلم‌های اکشن بود؛ دورانی که در آن استالونه و رقیب دیرینه‌اش، آرنولد شوارتزنگر، نوع خاصی از مردانگی را الگوسازی کردند: از نظر فیزیکی قدرتمند، از نظر اخلاقی قاطع و از نظر عاطفی خویشتن‌دار و بی‌تفاوت. نیویورک تایمز روز شنبه مصاحبه‌ای مفصل با او انجام داده که بخش‌هایی از آن را می‌خوانید.

ماجرای غم‌انگیز مادر

مادرم از آشفته‌گی‌های زیادی آمده بود و واقعاً «اهل مادری کردن» نبود. او نقشه‌های بزرگی برای زندگی‌اش داشت، بنابراین بارداری‌اش با من یک وقفه بزرگ در برنامه‌هایش بود. فکر نمی‌کنم می‌خواست باور کند که این اتفاق دارد می‌افتد، حتی زمانی که در ماه نهم بود. او سوار اتوبوس بود، فقط شانس آورد که نزدیک یک مرکز پزشکی بود. کسانی که من را به دنیا آوردند، از انتر جراحی (فورس) استفاده کردند و بخشی از صورت فلج شد. می‌توانست بدتر از این هم باشد، چون گاهی باعث آسیب مغزی می‌شود، اما شاید آن‌هم اتفاق افتاده باشد! [می‌خندد]. بزرگ شدن با این وضع بسیار سخت بود، چون من کلمات را شل و زیر لب ادا می‌کردم.

عشق واقعی

من تا ۷۰ سالگی عشق واقعی و اصیل را درک نکردم. اینکه عشقی کاملاً بی‌قیدوشرط داشته باشی، آن از خود بی‌خودشدگی مطلق، آن عشق بی‌پروا که حاضری برای کسی خودت را در آتشفشان بیندازی؛ این خیلی دیر آمد.

یکی از درخشان‌ترین بخش‌های کارنامهٔ علمی میرشکرایی، تلاش محوری او در پروندهٔ ثبت جهانی نوروز و آئین باستانی یلدا به‌شمار می‌رود. پژوهش‌های بنیادین این استاد زمینهٔ معرفی نوروز را به‌عنوان میراث فرهنگی مشترک چند کشور در سازمان‌های بین‌المللی فراهم ساخت.

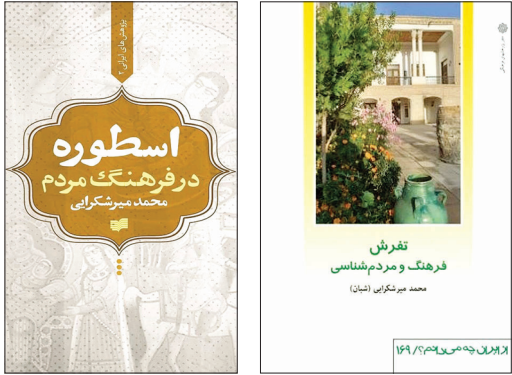
در سال ۱۳۹۵ خانهٔ تاریخی و پدری محمد میرشکرایی در تفرش به موزهٔ مردم‌شناسی تبدیل شد. در این خانه بیشتر وسایلی که به نمایش گذاشته شده وسایل زندگی مردم تفرش ازجمله وسایل زندگی در این خانه است. مانند علم‌هایی که در زمان ایام محرم بیرون آورده می‌شد و به دوران زندیه تعلق دارد.

آثار میرشکرایی

رویکرد علمی محمد میرشکرایی، فراتر از ثبت عناصر سنتی، بر تحلیل پیوند عمیق میان انسان، زیست‌بوم و رفتارهای آئینی تمرکز داشت و از آثار او می‌توان به «مردم‌شناسی موزه‌ها» (۱۳۹۰)؛ «تعزیه و آئین‌های عاشورایی» (۱۳۹۴) «اسطوره در فرهنگ مردم» (۱۴۰۰) و «تفرش، فرهنگ و مردم‌شناسی» (۱۴۰۳) اشاره کرد. «مردم‌شناسی موزه‌ها» مجموعه مقالات محمد میرشکرایی دربارهٔ مردم‌شناسی و موزه‌هاست. نویسنده بعد از توضیحات اصلی و مقدماتی دربارهٔ قلمرو موضوعی، مکانی و زمانی مردم‌شناسی، موزه‌های مردم‌شناسی را معرفی می‌کند و الگوهای بهره‌گیری توسعه‌ای از این مکان‌ها را معرفی می‌کند. میرشکرایی در ادامه، موضوعات گوناگونی که در موزه‌های مردم‌شناسی

مسورد توجه و پراهمیت هستند را معرفی و تشریح می‌کند. این موضوعات عبارتند از: «ول»، خرمن‌کوب کهن آذربایجان؛ «دنگ»؛ شیرهای نگهبان در اشیاء؛ «جعفرخان از فرنگ آمده در...»؛ مروری بر گذشته موزهٔ فضای باز در ایران و معادن کهن، تلاقی فرهنگ و طبیعت.

«تعزیه و آئین‌های عاشورایی» مجموعهٔ ۶ مقالهٔ مردم‌شناختی دربارهٔ آئین‌ها و مراسم عاشورایی در مناطق گوناگون ایران به پژوهش و قلم محمد میرشکرایی است. عناوین مقالات کتاب عبارتند از: «تعزیه و آئین‌های عاشورایی»، «محرم و نشانه‌های نمادین»، «استمرار عناصر کهن نمایشی ایران در تعزیه»، «تعزیه و مراسم ماه محرم در گیلان»، «پایگاه اجتماعی تعزیه‌خوانی در تفرش» و «تکیه‌های تفرش». پژوهش در مراسم آئینی ماه محرم و شناخت و معرفی جایگاه فرهنگی و ارزش‌های



«برو مغازه و کمی نان بخر». من به‌جای نان، سس ساندویچ (مایونز) به خانه آوردم، و او لگدی به شکم زد، بهمن کرد روی زمین، سوار ماشین شد و رفت کلیسا. من آنجا در خیابان مانده بودم با بس مایونز! واقعاً باورنکردنی است.

ورود به نیویورک

در نهایت در ۲۰سالگی در نیویورک بودم. از دانشگاه انصراف داده بودم. با کوله‌پشتی دور اروپا گشته بودم و هیچ پولی نداشتم. اما یک رویا داشتم، اینکه می‌خواستم بازیگر شوم. شغلی به‌عنوان راهنمای صندلی در یک سالن سینما گرفتم. شروع کردم به نوشتن دیالوگ‌های فیلم‌های مورد علاقه‌ام. من در یک سلول زندگی می‌کردم. بسیار کوچک بود. شاید یک اتاق حدود ۲.۵ در ۲.۷ متر. آپارتمانی با پنجره‌های سیاه‌شده، جایی که روزها پشت‌سر هم فیلم‌نامه می‌نوشتم. در این دوران، درگیر درگیری‌های خیابانی هم می‌شدم. در پایان فیلم «نخستین خون» (رامبو ۱)، یک فروپاشی عصبی وجود دارد. این خودخوری ناشی از زیر پا له شدن و دیده نشدن است، چون این حسی بود که داشتم. می‌توانی به من بگویی زشت، می‌توانی بگویی قذکوتاه، فقط به من نگو «احمق». چون این چیزی بود که پدرم می‌گفت. مرا به یک دیوانه تبدیل می‌کرد تا ثابت کنم احمق نیستم. و من فقط کار می‌کردم و کار می‌کردم و کار می‌کردم. برای مثال، من ۸۰ساله‌ام



گزارش: چهره‌ها

قصه جدید سیمین

بازگشت فاطمه معتمدآریا بازیگر مطرح سینما و تئاتر به ایران



امید ذاکری‌نیا

گروه فرهنگ

فاطمه معتمدآریا، بازیگر سرشناس سینما، تئاتر و تلویزیون ایران بعد از حدود سه سال به ایران بازگشته است. این خبری است که روز گذشته به‌طور غیررسمی و با توجه به

انتشار عکسی از او در یک صفحه اینستاگرامی منتشر شد.

فاطمه معتمدآریا در سال ۱۴۰۲ ایران را ترک کرد و بعدها اعلام کرد که برای دریافت پاسپورتش، مجبور شده ۲۲ بار به دادگاه برود تا بتواند برای حضور در جشنواره از کشور خارج شود. او همچنین گفته بود که همسرش از او خواسته بازنگردد تا بار دیگر پاسپورتش توقیف نشود. اما حالا بعد از گذشت چند سال او به ایران بازگشته است. معتمدآریا جزو بازیگران و چهره‌هایی است که بعد از حوادث و اتفاقات سال ۱۴۰۱ و ماجرای درگذشت مهسا امینی، نه فقط از بازار کار نمایشی، که از کشور خارج شد.

شاید بازگشت این چهره‌ها که از سال ۱۴۰۱ به طرق مختلف کنار گذاشته شده و یا کناره‌گیری کردند، بتواند نشانه‌هایی در ارتباط با تغییر شرایط فرهنگی هم باشد؛ هرچند درباره اینکه این بازگشت در ادامه به فعالیت حرفه‌ای او در ایران منجر خواهد شد یا نه، هنوز اطلاعات رسمی منتشر نشده است. اما داستان محدودیت‌هایری معتمدآریا بسیار قدیمی‌تر از سال ۱۴۰۱ است. او سال‌ها پیش نیز تجربه ممنوع‌الکاری، توقیف پاسپورت و فشارهای مختلف را داشته است. خودش در سال ۱۳۹۰ گفته بود بعد از فیلم «کلاه قرمزی و پسرخاله» برای مدتی ممنوع‌الفعالیت شده و هشت ماه ایران را ترک کرده است. او در همان گفت‌وگو تأکید کرده بود که در تمام دوره فعالیتش، بسته به شرایط، برای ادامه کار با دشواری‌هایی مواجه بوده است. معتمدآریا در سال ۱۳۹۴ نیز درباره یکی از مشهورترین حوادث زندگی حرفه‌ای‌اش صحبت کرد؛ حمله گروهی از مخالفان او به او در کاشان. او چهارم بهمن آن سال برای نمایش فیلم «یحیی سکوت نکرد» به کاشان رفته بود که هنگام ورود به سینما با شعار، توهین و اعتراض گروهی مواجه شد. به گفته کارگردان فیلم، پس از نمایش نیز گروهی بیرون سالن تجمع کرده بودند و در پایان برنامه، حتی تلاش کرده بودند وارد خودروی حامل معتمدآریا و عوامل فیلم شوند. این حادثه واکنش گسترده سینماگران و مسئولان فرهنگی را به‌دنبال داشت. علی جنتی، وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اقدام مهاجمان را تأیید نکرد و گفت دولت از هنرمندان،

ازجمله معتمدآریا، حمایت می‌کند؛ هرچند به گفته او همه امور در اختیار دولت نیست. حجت‌الله ایوبی، رئیس وقت سازمان سینمایی نیز مسئولان را موظف به تأمین امنیت این برنامه دانست. خانه سینما و انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی نیز به این اتفاق واکنش نشان دادند. اما پیش از این حادثه هم معتمدآریا تجربه‌های مشابهی داشت؛ او در سال ۱۳۹۸ درباره انتشار یک فیلم خصوصی از یک مجلس دوستانه در دهه ۷۰ گفت که پس از آن ماجرا مورد بازجویی قرار گرفته و حتی با اتهام «مفسد فی‌الارض» مواجه شده است. به گفته او، فشارهای ناشی از آن اتفاق، باعث شد مدتی ایران را ترک کند و بعدها با اصرار دختر اخیر هاشمی‌رفسنجانی به کشور بازگردد.

معتمدآریا بار دیگر در سال ۱۴۰۱ در مرکز حواشی قرار گرفت. انتشار تصویر او در دیوارنگاره «بانوان مفاخر ایران» در میدان ولیعصر تهران با اعتراض خود او همراه شد. او و بدینوی در انتقاد از این اقدام منتشر کرد که بعدتر از صفحه اینستاگرامش حذف شد. پس از اعتراضات سال ۱۴۰۱ نیز نام معتمدآریا در میان بازیگرانی قرار گرفت که بدون حجاب اجباری در برخی مراسم عمومی ظاهر شدند. در اردیبهشت ۱۴۰۲، پلیس تهران اعلام کرد که در پی حضور بدون حجاب اجباری او و افسانه پایگان در مراسم بزرگداشت آیت‌لا پسپانی، برای آنها پرونده قضایی تشکیل شده است. یک سال بعد، در اسفند ۱۴۰۳، خود معتمدآریا در نشست‌ی در آمریکا از شرایطی گفت که به گفته او سرانجام به خروجش از ایران انجامیده است. او اعلام کرد پیش از یک سال است که از ایران خارج شده و در پاریس زندگی می‌کند. به گفته او، پس از ۲۲ بار حضور در دادگاه توانسته پاسپورتش را پس بگیرد و برای حضور در یک جشنواره به فرانسه برود و پس از آن دیگر به ایران بازنگشته است. این‌نخستین بار نبود که معتمدآریا با مسئله ممنوع‌الخروجی مواجه می‌شد. در سال ۱۳۸۸ نیز گذرنامه او در فرودگاه توقیف شد و مدتی اجازه خروج از کشور نداشت؛ موضوعی که در آن زمان با واکنش خانه سینما و دیگر سینماگران همراه شد. با این سابقه، بازگشت احتمالی او به ایران را نمی‌توان تنها یک جابه‌جایی جغرافیایی دانست. معتمدآریا در بیش از چهار دهه فعالیت، از «شهر موش‌ها» و «کلاه قرمزی و پسرخاله» تا «روسی آبی» و ده‌ها فیلم و نمایش دیگر، بخشی از حافظه تصویری چند نسل از ایرانیان بوده است. خودش نیز بارها گفته که فعالیت حرفه‌ای را نه برای شهرت و ثروت، بلکه به‌عنوان مسیری که از کودکی برای آن تربیت شده، دنبال کرده است. حالا بازگشت او، پس از سال‌هایی که با محدودیت، پرونده قضایی، خروج از ایران و ادامه فعالیت در فرانسه همراه بود، بار دیگر نام فاطمه معتمدآریا را به فضای فرهنگی داخل کشور برگردانده است. هنوز مشخص نیست این بازگشت به‌معنای آغاز دوباره فعالیت او در سینما و تئاتر ایران خواهد بود یا صرفاً بازگشتی شخصی. برای پاسخ به این پرسش، باید منتظر نخستین موضع رسمی خود او و همچنین مشخص شدن برنامه‌های کاری‌اش ماند.



شکل‌گیری و تحولات تاریخی این شهر را بررسی می‌کند. میرشکرایی با بهره‌گیری از منابع تاریخی، روایت‌های محلی و مشاهدات میدانی، تلاش کرده تا لایه‌های مختلف هویت فرهنگی تفرش را آشکار کند. این کتاب به معرفی جاذبه‌های طبیعی و تاریخی منطقه می‌پردازد. هم‌چنین به نقش تفرش در تحولات فرهنگی ایران و جایگاه آن در میان شهرهای مرکزی کشور نیز توجه دارد. در بخش‌هایی از کتاب، به‌ویژگی‌های زبانی، نقش آموزش و تحولات اجتماعی و اقتصادی تفرش نیز پرداخته شده است. هم‌چنین تحولات اجتماعی و اقتصادی تفرش، ازجمله نقش کشاورزی، دامداری، قالی‌بافی و حرفه‌های سنتی در اقتصاد محلی به‌تفصیل آمده است. بخش مهمی از کتاب به آیین‌ها و مراسم سنتی اختصاص دارد؛ از نوروز و شب یلدا تا جشن‌های محلی و آیین‌های گذار زندگی فردی مانند عروسی. میرشکرایی به نقش زنان در برخی آیین‌ها، بازی‌های سنتی و باورهای مربوط به مکان‌های مقدس اشاره کرده است. در فصل‌های پایانی، هنرها، فناوری‌های بومی، مشاغل و موزه‌ها و مجموعه‌های فرهنگی تاریخی تفرش معرفی شده‌اند. کتاب با تأکید بر اهمیت شناخت فرهنگ بومی و نقشش تفرش در پیوند فرهنگ امروز و دیروز ایران به پایان می‌رسد.

«کوسه‌گردی»، «کوسه، گشنیز و عروسک‌های باران»، «تحلیل رسم سنتی چهل‌م بهار در پائیز»، «خضر، در فرهنگ رسمی و فرهنگ عامه ایران»، «راز بی‌کلامی»، «خون، خاک و برکت»، «زن و اسطوره‌های آب در ایران» و «مار نشانه‌ای کهن در فرهنگ امروز» عناوین مقالات این کتاب هستند. «تفرش، فرهنگ و مردم‌شناسی» میرشکرایی اثری پژوهشی دربارهٔ فرهنگ و مردم‌شناسی شهر تفرش و مناطق پیرامون آن است. این کتاب توسط انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی منتشر شده و یکی از مجلدات مجموعهٔ «از ایران چه می‌دانم؟» است. نویسنده با رویکردی توصیفی و مستند به بررسی تاریخ، اسطوره‌ها، جغرافیا، زبان، آداب و رسوم، آیین‌ها، هنرها و ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی تفرش پرداخته است. ساختار کتاب به‌گونه‌ای است که هم به ریشه‌های تاریخی و اسطوره‌ای منطقه توجه دارد و هم به تحولات معاصر و نقش تفرش در فرهنگ ایرانی می‌پردازد. میرشکرایی با تمرکز بر فرهنگ و مردم‌شناسی این شهر، تصویری جامع از گذشته و حال شهر تفرش واقع در استان مرکزی ارائه می‌دهد. او ابتدا به ریشه‌های اسطوره‌ای و تاریخی نام تفرش و باورهای کهن مردم منطقه می‌پردازد و سپس با نگاهی تحلیلی، روند

همه‌چیز به حاشیه رفت. این فقط یک نوع زندگی حقیرانه بود. در سال ۲۰۱۲، سیج، پسر بزرگ‌را به دلیل یک بیماری قلبی نادر و در ۳۶سالگی از دست دادم و احساس گناه داشتم. مثل اینکه: چه کاری می‌توانستم بکنم؟ آیا باید آنجا می‌بودم؟ چه می‌شد اگر این کار را می‌کردم؟ اگر به راست می‌رفتم یا به چپ؟ هرگز فراموش نمی‌کنم، خیلی سرد بود؛ شوهر جدید مادرم، که حتی هرگز او را ندیده بودم و پزشک بود، به من زنگ زد و گفت: «اسلای، او رفته. سیج، او رفته». گفتم: «کجا رفته؟» گفت: «او مرد، او رفته. متأسفم». قطع کرد. بعد حدود یک هفته بعد، در اتاقم کاملاً تنها بودم و نه‌الای از من بیرون آمد که هرگز قبل یا بعد از آن نشنیده‌ام. فقط درد بود و اندوه و گناه. انسانی نبود. اما تمام چیزی که می‌توانم بگویم این است که او بچه بسیار مهربانی بود. او مادر بزرگی داشت. او در آینده کارهای فوق‌العاده‌ای انجام می‌داد.

شهرت فراگیر بعد از راکی

راکی موفق بود و ۱۰ نامزدی اسکار گرفت و در نهایت برنده بهترین فیلم شد. شهرت زیادی به‌سرارغم آمد اما مرا شکست و پرخاشگرم کرد. مرا بسیار انتقام‌جو کرد. یک بچه لوس شدم. سال‌ها بعد، از خودم متنفر شدم. تعجب می‌کنم هنوز اینجا هستم. من موفق شدم تمام مطبوعات و آدم‌هایی را که به من باور داشتند از خودم برانم. من فقط متواضع نبودم. هیچ تواضعی وجود نداشت.

بدن عضلانی یک ستاره

بدنم زره من بود. من به راکی نگاه کردم؛ بسیار صاف، یک آدم بسیار معمولی و بعد گفتم، فکر می‌کنم این شخصیت کم‌کم خودشیفته‌تر می‌شود. بعد در «رامبو»، داری نقش یک جنگجو را بازی می‌کنی، بنابراین کم‌کم وحشی‌تر می‌شوی. آنقدرها



آن به دو دلیل اهمیتی ویژه دارد. یکی به سبب رواج این مراسم در بخش بزرگی از کشورهای منطقه؛ خصوصیتی که می‌تواند از عوامل عمده تحکیم وحدت ملی در هر یک از این کشورها و موجب حفظ و تقویت همبستگی منطقه‌ای در میان مجموعه این کشورها باشد. دوم این‌که این مراسم مجموعهٔ گران‌بهایی از عناصر متعدد میراث‌های معنوی را از گذر زمانه‌ها تا به زمان ما انتقال داده است و امروزیکی از بزرگ‌ترین مشترکات فرهنگی منطقه از منظر میراث معنوی به‌شمار می‌آید.

«اسطوره در فرهنگ مردم» گزیده‌ای است از مقالات محمد میرشکرایی که در سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۸۵ در نشریات فرهنگی چاپ شده و با نویسنده آن‌ها را در نشست‌ها و همایش‌هایی ارائه داده است. به اعتقاد میرشکرایی، عباراتی چون «چیست این سقف بلند ساده بسیار نقش» یا «از کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود؟» بازتابی است از آن‌چه مردمان دوره‌ها و زمان‌های مختلف، می‌اندیشیده‌اند و پرسش‌هایی که در جست‌وجوی پاسخ آن‌ها بوده‌اند. پرسش‌هایی حاصل دریافت از مشاهدات درباره آن‌چه پیرامون آن‌ها وجود داشت، رخ می‌داد، به چشم می‌آمد و باورها و دانسته‌ها را شکل می‌داد؛ و رسوب آن‌ها را در ذهن مردمان سبب می‌شد. آدمی از آن‌ها خیال پرداخت و با زندگی درآمیخت و از این میان اسطوره‌ها سر بر کردند و افسانه‌ها ساخته شدند. «دیدار هوم»،



و امروز صبح ساعت ۵ صبح بیدار شدم تا دیالوگ‌هایم را مطالعه کنم که تا یک ماه دیگر نیازی به انجام‌شان ندارم.

داستان راکی

سعی می‌کردم به‌عنوان بازیگر موفق شوم. به‌خاطر قیافه‌ام رد می‌شدم، اما داستان «راکی» را برای خودم می‌نوشتم. استودیو‌ها برای فیلم‌نامه راکی بسیار هیجان‌زده بودند و استودیو سعی کرد پول بیشتر و بیشتری بدهد تا در فیلم بازی نکنم. آنها جیمز کان یا رایان اوئیل را می‌خواستند. قبول نکردم چون فکر می‌کردم این آخرین شانس من است. کمتر از صد دلار در بانک داشتم و نمی‌دانم معنوی بود یا نه، اما گفتم: «خداوندا، در قلبم می‌دانم که تا آخر عمر از این پیشیمان خواهم شد و مردی شکست‌خوردتر از زمانی خواهم بود که اصلاً این کار را شروع نکرده بودم». نمی‌دانم چرا این را می‌دانستم، چون هیچ موقعیتی نداشتم. خام بودم و آنها حق داشتند که نخواهند از من استفاده کنند. اگر کسی پیش من می‌آمد و همین کار را می‌کرد و قیافه‌اش شبیه من بود و لکنت زبان داشت، می‌گفتم: «بی‌خیال بابا. تو برای خیلی از مردم این کشور قابل قبول نیستی». اما فقط می‌دانستم که این همان چهارراه است. این همان پل است و اگر از آن عبور نکردی، از روی آن بپَر. من قرار نیست بگذارم کس دیگری این کار را بکند. می‌دانستم از خودم متنفر خواهم شد. خودم را می‌کشتم... از نظر عاطفی، نه واقعی.

پدر ۵ فرزند

من واقعاً پدر خیلی خوبی نبودم. همسرم، جنیفر، بزرگ‌ترین زن تاریخ است و او بخشنده‌ترین است. من آن‌دنده تسلیم و رها کردن خود شخصی‌ات برای فرد دیگری را ندارم. او دخترانم را اینطور بزرگ کرد. ازدواج اول من اینطوری بود. من در حالت جنگجوی خود بودم. بریم دنیا را فتح کنیم.



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

کلاهبردار مصنوعی چه کسی پشت خط است؟

مهتا معرفت

گروه اقتصاد

تا همین چند سال پیش، یکی از توصیه‌های رایج برای مقابله با کلاهبرداری اینترنتی این بود که به یک پیام یا ایمیل مشکوک اعتماد نکند و برای اطمینان با فرد مورد نظر تماس بگیرید. هوش مصنوعی حالا همین لایه دوم اطمینان را هم هدف گرفته است. اگر صدای فردی که پشت تلفن صحبت می‌کند نیز قابل جعل باشد، چگونه می‌توان مطمئن شد، کسی که دستور انتقال پول می‌دهد واقعاً همان کسی است که ادعا می‌کند؟ پاسخ به این پرسش برای بانک ایتالیایی «فیدیورام» ۱۵میلیون یورو، معادل حدود ۱۰۸میلیون دلار، هزینه داشته است. فیدیورام بازوی بانکداری خصوصی گروه «اینسا سان‌پائولو» بزرگ‌ترین بانک ایتالیاست. براساس گزارش رویتز، کلاهبرداران با استفاده از هوش مصنوعی و جعل هویت مدیران ارشد توانستند، مدیران بانک را متقاعد کنند، مجموعه‌ای از انتقال‌های مالی به خارج از کشور انجام دهند. پیش از نمی از پول بعداً بازبایی شد اما حدود ۳۶ میلیون یورو همچنان مفقود است. ماجرا در فوریه ۲۰۲۶ آغاز شد. پائولو مولسینی، رئیس وقت فیدیورام، پیامی در واتس‌آپ دریافت کرد که ظاهراً از سوسی کارلو مسینا، مدیرعامل اینتسا سان‌پائولو، فرستاده شده بود. «مسینا» از او خواسته بود برای انجام یک معامله مهم در خارج از کشور فوراً از امکانات خزانه فیدیورام استفاده کند. استدلال مطرح شده این بود که به دلایل عملیاتی، شرکت مادر نمی‌تواند مستقیماً انتقال‌ها را انجام دهد و فرصت معامله نیز ممکن است از دست برود. اما کلاهبرداران به یک پیام واتس‌آپ اکتفا نکردند. کمی بعد مولسینی تماسی دریافت کرد که ظاهراً از سوسی پائولو ناستاززی، شریک ارشد دفتر ایتالیایی مؤسسه حقوقی بین‌المللی A&O Shearman برقرار شده بود؛ وکیلی که مولسینی او را می‌شناخت. صدایی که از آن سوسی خط شنیده می‌شد نیز برای او آشنا بود. مشکل این بود که ناستاززی اصلاً تماس نگرفته بود. به گزارش منابع ایتالیایی، کلاهبرداران با استفاده از هوش مصنوعی صدای او را بازسازی کرده بودند. ناستاززی خود هیچ نقشی در ماجرا نداشت و هویتش مورد سوء استفاده قرار گرفته بود. ترکیب پیام منتسب به مدیرعامل، تماس تلفنی با صدای فردی شناخته شده و ارتباطات تکمیلی، داستانی ساخت که به اندازه کافی معتبر به نظر می‌رسید. مولسینی به بخش مالی دستور داد انتقال‌ها انجام شود و در مجموع حدود ۹۵ میلیون یورو از بانک خارج شد. بخش مهمی از وجوه به حساب‌هایی در چین و هنگ کنگ انتقال یافت. پس از آشکار شدن ماجرا، فیدیورام با استفاده از شبکه همکاری بین‌بانکی و همراهی نهادهای قضایی توانست، بخش عمده پول را متوقف یا بازگرداند. گزارش‌ها رقم بازبایی شده را حدود ۵۹ میلیون یورو اعلام کرده‌اند. اما دست‌کم ۳۶ میلیون یورو سرنوشت متفاوتی پیدا کرد. بخشی از وجوه به رمناز تبدیل شد و ردیابی و بازبایی آن دشوار تر شد. مقام‌های قضایی میلان، تحقیقات بین‌المللی را برای یافتن پول و شناسایی عاملان ادامه می‌دهند. حتی در باره رقم دقیق باقیمانده نیز گزارش‌های قضایی اندکی تفاوت دارند. برخی منابع رقم نزدیک به ۳۹٫۵ میلیون یورو را ذکر کرده‌اند. اهمیت پرونده فیدیورام اما بسیار فراتر از زیان یک بانک است. این اتفاق نشان می‌دهد هوش مصنوعی اقتصاد کلاهبرداری را تغییر داده است. در کلاهبرداری سنتی، مجرم باید ایمیل، اعضا، شماره تلفن یا مدارک قربانی را جعل می‌کرد. اکنون می‌تواند، بخشی از «هویت انسانی» او را نیز بازسازی کند؛ صدا، لحن و حتی در موارد دیگر تصویر فرد را. در نتیجه آنچه پیش‌تر نشانه‌ای برای احراز هویت محسوب می‌شد، ممکن است خود به ابزار فریب تبدیل شود. این نوع حمله شکل پیشرفته‌ای از «کلاهبرداری مدیرعامل» یا CEO Fraud است؛ روشی که در آن مجرم خود را به جای مدیر ارشد سازمان جا می‌زند و با ایجاد حس فوریت و محرمانگی، کارکنان را به انتقال پول وادار می‌کند. هوش مصنوعی اصل این جرم را اختراع نکرده اما هزینه و دشواری اجرای آن را کاهش داده و قدرت اقناع آن را بالا برده است. اکنون یک پیام جعلی می‌تواند با صدای جعلی، ایمیل‌های ظاهراً معتبر و اسناد ساختگی پشتیبانی شود. نگران‌کننده‌تر اینکه پرونده فیدیورام ظاهراً حاد‌ه‌ای کاملاً منفرد نیست. دادستانی میلان همزمان در حال بررسی پرونده‌های دیگری با الگوی مشابه است؛ استفاده از پیام، ایمیل و «شبیه‌سازی صدا» برای فریب مدیران بانکی. در یکی از این پرونده‌ها حدود ۲۴ میلیون یورو انتقال یافته بود که بخشی از آن بعداً مسدود شد. درس اصلی این پرونده شاید این باشد که در عصر هوش مصنوعی، سازمان‌ها دیگر نمی‌توانند «دیدن» و «شنیدن» را معادل «احراز هویت» بدانند. دستورهای مالی بزرگ، به‌ویژه وقتی فوری، محرمانه یا غیرعادی‌اند باید از کانالی مستقل و از پیش تعیین‌شده، تأیید شوند و هیچ صدا، تصویر یا پیام شخصی به‌تهایی مبنای انتقال پول قرار نگیرد. هوش مصنوعی فقط توانایی تولید متن و تصویر را افزایش نداده است؛ هزینه جعل اعتماد را نیز پایین آورده است. در جهان جدید ممکن است صدای مدیرعامل کاملاً واقعی به گوش برسد بی‌آنکه مدیرعامل حتی پشت تلفن باشد.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

جغرافیای خسارت

چرا خوزستان بیشترین سهم را از صورت حساب جنگ پرداخت کرد؟

سعید مشهوری

گروه اقتصاد

جنگ‌های نیم‌قرن اخیر برای همه استان‌های ایران هزینه داشت اما هزینه‌ها به‌طور مساوی روی نقشه کشور توزیع نشد. تهران بیشتر با خطر حمله به مراکز سیاسی، نظامی و فرماندهی رویه‌رو بود، هرزگان به دلیل تنگه هرمز، بندرعباس و زیرساخت‌های دریایی در خطمقدم قرار گرفت و بوشهر به‌واسطه خارک، عسلویه و تأسیسات انرژی اهمیت ویژه داشت. با این حال اگر صورت‌حساب جنگ را فقط با تعداد موشک‌ها و ساختمان‌های تخریب‌شده نسنجیم و توقف تولید، اختلال در انرژی، خسارت صنایع، آسیب کشاورزی و تجارت و فشار وارد شده بر زندگی مردم را نیز محاسبه کنیم، خوزستان یکی از اصلی‌ترین کانون‌های خسارت جنگ بوده است. دلیلش هم ساده است، بخش بزرگی از دارایی‌های مولد ایران در استانی متمرکز شده که هم مرز زمینی دارد، هم به خلیج فارس متصل است و هم قلب صنعت نفت و بخشی مهم از پتروشیمی، فولاد، برق و کشاورزی کشور را در خود جای داده است. خوزستان پیش از جنگ نیز استانی معمولی در اقتصاد ایران نبود. بخش بزرگی از ذخایر نفت و گاز کشور در این منطقه قرار دارد و منطقه اصلی تولید نفت کشور است. از اهواز تا آغاچار، مارون و مناطق نفت‌خیز جنوب، شبکه‌ای از جابه‌ا، واحدهای بهره‌برداری، خطوط لوله، تأسیسات فرآورش و ایستگاه‌های انتقال شکل گرفته که اختلال در هر قسمت آن می‌تواند، اثری بسیار فراتر از مرزهای استان داشته باشد. به همین دلیل خوزستان یکی از نقاط اتصال بودجه دولت، درآمد ارزی و امنیت انرژی ایران است. این تمرکز اقتصادی یک تناقض مهم ایجاد کرده است. هرچه یک منطقه دارایی مولد بیشتری داشته باشد، در زمان صلح اهمیت اقتصادی بیشتری دارد؛ اما در زمان جنگ همین مزیت می‌تواند به آسیب‌پذیری تبدیل شود. تأسیسات نفتی را نمی‌توان مانند یک کارخانه کوچک جابه‌جا کرد. میدان نفتی، خط لوله، نیروگاه و بندر به جغرافیا وابسته‌اند. بنابراین بخش بزرگی از سرمایه ثابت ایران در خوزستان، خواناخواه در معرض ریسک جغرافیایی قرار گرفته است.

ضربه، به قلب پتروشیمی

ماهشهر یکی از بهترین نمونه‌های این تمرکز است. در این منطقه مجموعه‌ای از بزرگ‌ترین مجتمع‌های پتروشیمی کشور در فاصله‌ای نسبتاً محدود قرار گرفته‌اند. در حملات اخیر دست‌کم ۸ مجتمع بزرگ شامل بندر امام، امیرکبیر، کارون، مارون، رجال، تخت‌جمشید، بوعلی‌سینا و تندگویان هدف قرار گرفتند. ظرفیت اسمی مجموع این ۸ مجتمع حدود ۱۷ میلیون تن در سال، یعنی نزدیک به یک‌ششم ظرفیت اسمی صنعت پتروشیمی ایران، برآورد شده است. علاوه بر کارخانه‌های مختلف، نیروگاه‌ای فجریک و دو که برق مجموعه‌های پتروشیمی ماهشهر را تأمین می‌کنند نیز هدف قرار گرفتند و خاموشی گسترده‌ای در منطقه صنعتی ایجاد شد. این اتفاق یکی از ویژگی‌های اقتصاد جنگ مدرن را آشکار کرد. اینکه برای متوقف کردن چندین کارخانه الزاماً لازم نیست، تکتک خطوط تولید آنها تخریب شود. فقط کافی است، زیرساخت مشترک آنها از کار بیفتد. برق، آب صنعتی و بخار در مجتمع‌های پتروشیمی همان نقشی را دارند که خون در بدن انسان دارد. از کار افتادن واحدهای یوتیلیتی می‌تواند، کارخانه‌ای که حتی یک موشک به آن اصابت نکرده را از تولید خارج کند. گزارش عملکرد بزرگ‌ترین هلدینگ پتروشیمی ایران نشان داد ۶ واحد از ۷ واحد اصلی مورد بررسی آن برای چند هفته از مدار خارج شدند و مجموع تولید آنها در دو ماه نخست

دیدگاه: تحلیل اقتصادی

راز صعود بازار افزایش تقاضا چگونه اتفاق افتاد؟

نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

بورس تهران در معاملات یک‌شنبه، تصویری امیدوارکننده اما نه کاملاً بی‌ابهام از خود نشان داد. از یک‌سو خریداران پس از یک موج عرضه دوباره کنترل بازار را در دست گرفتند، بیش از ۷۷۰ نماد را به محدوده مثبت رساندند و ورود بیش از دو همت پول به سهام ثبت شد؛ از سوی دیگر ارزش معاملات نسبت به روز قبل افت محسوسی داشت. به این ترتیب بازار پنجم مهر با رشد قدرتمند شاخص‌ها به پایان رسید اما برای تداوم این مسیر همچنان به افزایش حجم و ارزش معاملات نیاز دارد. شاخص کل بورس دیروز با افزایش ۱۲۱ هزار و ۴۴ واحدی معادل ۱۰۶۹ درصد به سطح ۷ میلیون و ۲۷۴ هزار و ۳۲۲ واحد رسید. شاخص کل هم‌وزن نیز ۳۱ هزار و ۳۸۸ واحد معادل ۱۰۶۳ درصد افزایش یافت و در ارتفاع یک میلیون و ۹۶۱ هزار و ۷۷ واحد قرار گرفت. معاملات از همان دقایق نخست با برتری خریداران آغاز شد اما در ادامه، افزایش عرضه‌ها بخشی از رشد اولیه شاخص‌ها را پس گرفت. نکته مهم این

سال نسبت به دوره مشابه سال قبل حدود ۸۷ درصد کاهش یافت. عامل مهم این افت قطع برق، بخار و آب در قطب‌های صنعتی بود. اثر این اختلال بلافاصله از خوزستان فراتر رفت. ایران در ماه آوریل صادرات محصولات پتروشیمی را متوقف کرد تا عرضه بازار داخلی در شرایط کاهش تولید حفظ شود. صادرات معمول پتروشیمی ایران حدود ۲۹ میلیون تن در سال و به ارزش نزدیک به ۱۳ میلیارد دلار گزارش شده است. بنابراین خاموش شدن یک مجتمع در ماهشهر فقط زیان سهامداران همان شرکت نبود؛ کاهش درآمد ارزی، محدودیت مواد اولیه صنایع پائین‌دستی و فشار بر زنجیره تولید در استان‌های دیگر نیز بخشی از صورت‌حساب آن بود.

وقتی خسارت تکثیر می‌شود

ویژگی خوزستان این است که صنایع آن مانند جزیره‌های مستقل عمل نمی‌کنند. نفت، گاز، پتروشیمی، برق، فولاد، حمل‌ونقل، بندر و صنایع پائین‌دستی در شبکه‌ای به یکدیگر متصل‌اند. به همین دلیل خسارت جنگ در این استان «ضرب تکثیر» بالایی دارد. اگر یک واحد تولید برق آسیب ببیند، ممکن است چند مجتمع پتروشیمی متوقف شوند. توقف پتروشیمی عرضه مواد اولیه کارخانه‌های پلاستیک، لاستیک، نساجی، بسته‌بندی و صنایع شیمیایی را کاهش می‌دهد. اختلال در تولید نفت می‌تواند، خوراک پالایشگاه‌ها یا درآمد صادراتی را تحت‌فشار قرار دهد و آسیب به راه‌ها و گذرگاه‌ها هزینه حمل کالا را بالا ببرد. در چنین شبکه‌ای، ارزش اقتصادی خسارت لزوماً برابر هزینه تعمیر ساختمان یا تجهیز تخریب‌شده، نیست. مطالعه‌ای که با استفاده از جدول داده- ستانده بانک مرکزی، آثار جنگ ۲۰۲۶ را بررسی کرده دقیقاً بر همین ویژگی تأکید دارد: شوک وارد شده به صنایع پایه، مواد شیمیایی، فلزات و تجارت خارجی از طریق پیوندهای تولیدی به بخش‌های دیگر اقتصاد منتقل می‌شود. به بیان دیگر خسارت اولیه فقط آغاز زنجیره است. این مسئله درباره برق نیز آشکار شد. خوزستان یکی از مراکز مهم تولید برق ایران است و برآوردها، سهم استان را حدود یک‌پنجم تولید برق کشور قرار داده‌اند. در جریان حملات تابستان نیز خاموشی‌هایی در بخش‌هایی از استان گزارش شد. حتی پس از کاهش شدت دیگری، آثار آسیب به شبکه و کمبود برق باقی ماند؛ در اواخر آگوست، دو شرکت بزرگ پتروشیمی منطقه ماهشهر به دلیل محدودیت برق، تولید خود را متوقف کردند. بنابراین جنگ می‌تواند مدت‌ها پس از اصابت آخرین موشک در صورت‌های مالی شرکت‌ها ظاهر شود. علاوه بر همه نکاتی که گفته شد، خوزستان یک ویژگی دیگر نیز دارد که آن را از بیشتر قطب‌های صنعتی ایران متمایز می‌کند: استان همزمان صنعتی و مرزی است. شلمچه یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های زمینی ایران و عراق است و در جریان جنگ چند بار هدف قرار گرفت. در حملات ماه ژوئیه، اصابت به محدوده شلمچه به کشته و زخمی شدن تعدادی از افراد انجامید. در شرایط عادی، مرز مزیت اقتصادی است. تجارت، ترانزیت، گردشگری و جابه‌جایی کالا و نیروی انسانی ایجاد می‌کند. در شرایط جنگی همان مرز به نقطه آسیب‌پذیری تبدیل می‌شود. محدود شدن فعالیت گذرگاه‌ها فقط تجارت رسمی را مختل نمی‌کند؛ حمل‌ونقل، خدمات، بازارهای محلی و درآمد هزاران خانواری که مستقیماً یا غیرمستقیم به اقتصاد مرزی وابسته‌اند نیز آسیب می‌بیند. در نتیجه هزینه جنگ در خوزستان از ترانزامه شرکت نفت و پتروشیمی فراتر می‌رود و وارد اقتصاد روزمره شهرهایی می‌شود که معیشت‌شان به حمل‌ونقل، تجارت و صنایع بزرگ وابسته است.

کشاورزی هم در امان نماند

تصویر خوزستان به‌عنوان استانی نفتی گاهی نقش بزرگ آن در کشاورزی

ایران را پنهان می‌کند. گزارش گروه بین‌المللی بحران پیش از جنگ برآورد کرده بود که خوزستان حدود ۱۴ درصد محصولات کشاورزی ایران را تولید می‌کند و نزدیک به یک‌سوم آب‌های سطحی کشور در این استان جریان دارد. بندر امام خمینی، صنایع فولادی و بخش بزرگی از زیرساخت انرژی نیز در همین جغرافیا متمرکز شده‌اند. جنگ به این بخش نیز رسید. گزارش‌هایی از هدف قرار گرفتن تأسیسات ذخیره گندم در هویزه و دشت آزادگان همچنین یک ایستگاه پمپاژ آب کشاورزی منتشر شد. اهمیت چنین خسارت‌هایی را نباید صرفاً با ارزش ساختمان تخریب‌شده، سنجید. تخریب یک ایستگاه پمپاژ در فصل حساس می‌تواند، سطحی بسیار بزرگ‌تر از محل اصابت را از آب محروم کند و خسارت آن در ماه‌های بعد به شکل کاهش محصول ظاهر شود. خوزستان پیش از جنگ نیز با مشکلات جدی آب، فرسودگی زیرساخت‌ها، آلودگی، بیکاری و فقر روبه‌رو بود. جنگ بنابراین بر بستری آسیب‌پذیر فرود آمد. اگر شبکه برق یا آب در منطقه‌ای برخوردار و دارای زیرساخت جایگزین آسیب ببیند امکان بازبایی سریع‌تر وجود دارد؛ اما در منطقه‌ای که شبکه از پیش تحت فشار است یک شوک تازه می‌تواند، هزینه اجتماعی بسیار بیشتری ایجاد کند.

هزینه‌ای که دیده نمی‌شود

بخش دشوار محاسبه صورت‌حساب جنگ همین‌جاست. تصاویر ماهواره‌ای می‌توانند، ساختمان تخریب‌شده را نشان دهند و شرکت‌ها می‌توانند، ارزش تجهیزات از دست‌رفته را برآورد کنند اما هزینه تعطیلی یک کارخانه، مهاجرت موقت خانواده‌ا، از دست رفتن درآمد کارگران، کاهش تجارت محلی، آلودگی ناشی از حمله به تأسیسات صنعتی با اختطاب زندگی در مجاورت اهداف راهبردی به آسانی در حساب‌های رسمی ظاهر نمی‌شود. در تابستان، گزارش‌های میدانی از استان‌های جنوبی از جمله خوزستان از خاموشی، اختلال خدمات و دشوارتر شدن زندگی روزمره در گرمای شدید حکایت داشتند. به همین دلیل میان «خسارت فیزیکی» و «خسارت اقتصادی و اجتماعی» باید تفاوت گذاشت. ممکن است یک تأسیسات ظرف چند هفته تعمیر شود اما کار خانه پائین‌دستی که مواد اولیه دریافت نکرده، کارگری که چند هفته درآمد نداشته یا کشاورزی که آب محصولش قطع شده، بخشی از هزینه‌ای را پرداخت‌اند که در بودجه بازسازی تأسیسات دیده نمی‌شود. دوباره به این پرسش می‌رسیم که چرا خوزستان سهم بزرگی از صورت‌حساب جنگ را پرداخت و در نهایت به تمرکز می‌رسیم. دهها توسعه نفتی و صنعتی، حجم عظیمی از سرمایه ثابت ایران را در محور اهواز، ماهشهر، بندر امام و مناطق نفت‌خیز جنوب متمرکز کرده است. نفت، پتروشیمی، فولاد، برق، کشاورزی، بندر و تجارت مرزی در استانی کنار هم قرار گرفته‌اند که از نظر نظامی نیز جغرافیایی حساس دارد. در زمان صلح این تمرکز مزایایی مانند نزدیکی به خوراک، بندر و زیرساخت مشترک ایجاد می‌کند؛ در زمان جنگ همان صرفه‌های ناشی از تجمع به «اریسک تجمع» تبدیل می‌شوند. جنگ اخیر یک واقعیت قدیمی را دوباره آشکار کرد: خوزستان فقط محل استخراج ثروت ایران نیست؛ محل تمرکز ریسک اقتصاد ایران نیز هست. وقتی نیروگاه ماهشهر از کار می‌افتد، اثر آن در یک نقطه باقی نمی‌ماند. وقتی تولید پتروشیمی کاهش پیدا می‌کند، کارخانه‌ای صدها کیلومتر دورتر ممکن است با کمبود مواد اولیه روبه‌رو شود. وقتی تولید یا صادرات نفت مختل می‌شود، اثر آن به بازار ارز و بودجه دولت می‌رسد. و وقتی آب، برق یا راه‌کی شهر آسیب می‌بیند، خانوار خوزستانی نخستین کسی است که هزینه این وابستگی ملی را از زندگی روزمره خود می‌پردازد. به همین دلیل بازسازی خوزستان را نیز نمی‌توان صرفاً به تعمیر تأسیسات تخریب شده، محدود کرد. مسئله مهم‌تر، مقاوم‌سازی شبکه برق و آب، ایجاد مسیرهای جایگزین انتقال، کاهش وابستگی مجتمع‌های صنعتی به زیرساخت‌های مشترک، ایجاد ظرفیت‌های پشتیبان و بازاندیشی در تمرکز جغرافیایی صنایع حیاتی است. جنگ نشان داد، کارایی اقتصادی در روزهای عادی الزاماً به‌معنای تاب‌آوری در روزهای بحرانی نیست. خوزستان سال‌ها یکی از اصلی‌ترین منابع درآمد، انرژی و مواد اولیه اقتصاد ایران بوده است، جنگ وجه دیگر همین جایگاه را نشان داد؛ استانی که سهم بزرگی در تولید ثروت ملی دارد، هنگام تخریب دارایی‌های مولد نیز سهم بزرگی از زیان ملی را در جغرافیای خود تحمل می‌کند. به این معنا صورت‌حساب جنگ برای خوزستان، بخشی از صورت‌حساب کل اقتصاد ایران است که نخست در خوزستان صادر می‌شود و سپس هزینه آن میان همه ایرانیان توزیع می‌شود.

۳۲ هزار و ۴۴۹ میلیارد تومان رسید؛ درحالی که این رقم در روز قبل ۴۴ هزار و ۷۱۰ میلیارد تومان بود. بنابراین ارزش معاملات در یک روز بیش از ۱۲ هزار میلیارد تومان کاهش یافت. حجم معاملات نیز ۶۶ میلیارد سهم بود. افت ارزش معاملات در روزی که شاخص کل بیش از ۱۰٫۶ درصد رشد کرده، اهمیت زیادی دارد. تداوم روند صعودی معمولاً زمانی از پشتتوانه محکم‌تری برخوردار است که افزایش قیمت‌ها با رشد فعالیت معاملاتی و نقدینگی همراه باشد. بنابراین یکی از متغیرهای مهم روزهای آینده این است که آیا ارزش معاملات دوباره افزایش پیدا می‌کند یا بازار با وجود رشد شاخص‌ها همچنان با کاهش گردش نقدینگی روبه‌رو خواهد بود. با این حال جریان پول حقیقی سیگنال مثبتی به بازار داد. دیروز ۲هزار و ۲۶۵ میلیارد تومان پول وارد سهام، حق‌تقدم و صندوق‌های سهامی شد. همزمان صندوق‌های درآمد ثابت با خسروچ ۱۰۴۶ میلیارد تومان نقدینگی مواجه شدند. کنار هم قرار گرفتن این دو عدد می‌تواند، نشانه‌ای از افزایش تمایل بخشی از سرمایه‌گذاران به پذیرش ریسک باشد. سرانه خرید ۸۵ میلیون تومان و سرانه فروش ۸۹ میلیون تومان بود و قدرت خرید، عدد منفی ۱۰٫۵ را ثبت کرد. بنابراین همه متغیرهای معاملاتی به یک اندازه مثبت نبودند. بورس پنجم مهر درنهایت با برتری آشکار خریداران بسته شد؛ شاخص‌ها بالا رفتند، پول وارد سهام شد و صف‌های خرید بر بازار غلبه کردند. با این حال کاهش محسوس ارزش معاملات باعث می‌شود، آزمون اصلی بازار به روزهای آینده موکول شود؛ آیا تقاضای دیروز با نقدینگی بیشتری ادامه پیدا می‌کند یا رشد شاخص‌ها بدون افزایش ارزش معاملات، قدرت خود را از دست خواهد داد؟

میلی به دنبال طلا

نامه طلای میلی به دبیر شعام

گروه اجتماعی: تأخیر در بخشی از تسویه‌های پلتفرم «میلی» در روزهای اخیر، موضوع دسترسی این شرکت به طلای سپرده‌گذاری شده در خزانه‌های بانکی را به یکی از مسائل اصلی کاربران آن تبدیل کرده است. شرکت سرمایه زرین ماندگار، مالک این پلتفرم، می‌گوید بخشی از طلای متعلق به تعهدات کاربران در خزانه‌های بانکی قرار دارد اما محدودیت دسترسی به این ذخایر، روند تسویه برخی کاربران را کند کرده است. میلی در واکنش به این وضعیت در نامه‌ای به دبیر شورای عالی امنیت ملی خواستار رفع فوری این محدودیت‌ها شده است. این شرکت همچنین اعلام کرده که مجموع طلای فیزیکی مربوط به تعهدات کاربرانش ۹۶۵ کیلوگرم است و بخشی از این ذخیره در بانک کارگشایی نگهداری می‌شود. در مقابل، در یکی از موارد مورد اشاره میلی، به گفته این شرکت، بانک کارگشایی در پاسخ به مراجعه کاربران، وجود طلای میلی نزد این بانک را رد کرده؛ ادعایی که میلی خواستار توضیح رسمی بانک درباره آن شده است.

نامه به شورای عالی امنیت ملی

سعید علی‌عسگری، مدیرعامل سرمایه زرین ماندگار، در نامه‌ای به تاریخ اول مهر ۱۴۰۵ خطاب به محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی از ایجاد محدودیت برای دسترسی به طلای موجود در خزانه‌های بانکی خبر داده و خواستار رفع آن شده است. در این نامه آمده است که محدودیت‌های ایجاد شده از سوی برخی مسئولان در پلیس امنیت اقتصادی و دستگاه‌های مرتبط، دسترسی شرکت به

قضای

احکام عبدی، زیباکلام و رسایی

قوه قضائیه از صدور حکم برای چند چهره مطبوعاتی و سیاسی خبر داد



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

در یک روز، جزئیات چند پرونده قضایی درباره چهره‌های سیاسی و رسانه‌ای منتشر شد؛ پرونده‌هایی که برای عباس عبدی، صادق زیباکلام، حشمت‌الله فلاحت‌پیشه، حمیدرسایی و روزنامه «اعتماد» احکام متفاوتی به همراه داشته است. در میان این احکام یک سال حبس برای عبدی، یک سال حبس و دو سال منع فعالیت رسانه‌ای برای زیباکلام، یک سال حبس تعلیقی برای فلاحت‌پیشه و ۱۰ ماه حبس قطعی برای رسایی اعلام شده است. روزنامه «اعتماد» نیز به دو ماه توقف فعالیت و انتشار محکوم شده هرچند پرونده عبدی و روزنامه هنوز در دیوان‌عالی کشور تعیین‌تکلیف نهایی نشده است.

پرونده عبدی و «اعتماد»

پرونده عباس عبدی به یادداشتی بازمی‌گردد که او در روزنامه «اعتماد» منتشر کرده بود. براساس اعلام مرکز رسانه قوه قضائیه، دادستانی تهران پس از انتشار این یادداشت علیه عبدی و روزنامه اعلام جرم کرد. پرونده پس از تحقیقات مقدماتی، تفهیم اتهام و صدور قرار نظارت قضایی با ممنوعیت فعالیت رسانه‌ای در دادگاه کیفری یک استان تهران رسیدگی شد. حکم بدوی، عباس عبدی را به یک سال حبس تعزیری محکوم کرده و برای روزنامه «اعتماد» نیز دو ماه توقف فعالیت و انتشار در نظر گرفته است. این حکم اما هنوز قطعی نشده است. با فرجام‌خواهی متهمان، پرونده ۱۷ شهریور به دیوان‌عالی کشور ارسال شده و هنوز رأی نهایی صادر نشده است.

دو سال محرومیت رسانه‌ای برای زیباکلام

پرونده صادق زیباکلام از مصاحبه او با خبرگزاری آنا آغاز شد. پس از اعلام جرم و ارجاع پرونده به شعبه بازپرسی، اتهام به او تفهیم شد و در مرحله‌ای از رسیدگی، زیباکلام به مدت سه ماه از فعالیت رسانه‌ای، مصاحبه و انتشار یادداشت و کنشگری در صفحات شخصی و عمومی محروم شد. پس از صدور کیفرخواست، پرونده به دادگاه رفت و دادگاه زیباکلام را به یک سال حبس تعزیری محکوم کرد. علاوه بر آن به‌عنوان مجازات تکمیلی، دو سال منع فعالیت رسانه‌ای برای او در نظر گرفته شد؛ محدودیتی که براساس متن منتشر شده، طیف

بخشی از طلای موجود در خزانه‌های بانکی را با مشکل مواجه کرده است. به گفته میلی ادامه این وضعیت باعث شده، بخشی از تسویه‌های ریالی کاربران با صف و تأخیر انجام شود. شرکت اعلام کرده که در ۱۵ شهریور به‌طور رسمی از پلیس امنیت اقتصادی فراجا درخواست کرده موجودی طلا و تعهدات طلایی و ریالی ثبت شده در سامانه‌های شرکت بررسی تا امکان دسترسی به ذخایر فراهم شود. میلی می‌گوید این بررسی ۱۴ روز بعد، در ۲۹ شهریور انجام شده اما پس از آن نیز محدودیت دسترسی به بخشی از طلا ادامه داشته است.

۹۶۵ کیلوگرم طلا

یکی از مهم‌ترین اعداد مطرح شده در توضیحات میلی ۹۶۵ کیلوگرم طلای فیزیکی است. این شرکت می‌گوید این میزان طلا مربوط به تعهدات کاربران است و در خزانه‌های امن و بانکی نگهداری می‌شود. میلی در توضیح دیگری که روز شنبه منتشر کرده، تأکید کرده است که تسویه و تحویل فیزیکی طلا متوقف نشده و در ۳۰ روز گذشته بیش از ۷ هزار میلیارد تومان تسویه ریالی انجام داده است. همچنین به گفته این شرکت در همین مدت بیش از ۳۶ کیلوگرم طلا به‌صورت فیزیکی به کاربران تحویل داده شده است. شرکت تأکید کرده که خرید، فروش و تحویل فیزیکی طلا همچنان ادامه دارد و محدودیت ایجاد شده تنها بخشی از دسترسی آن به ذخایر را تحت‌تأثیر قرار داده است.



اختلاف بر سر بانک کارگشایی

بخش مهم دیگر ماجرا به بانک کارگشایی مربوط می‌شود. میلی می‌گوید براساس گزارش‌هایی که از کاربران دریافت کرده و فایل تماس‌هایی که در اختیار دارد، در پاسخ به پرسش برخی کاربران درباره طلای این پلتفرم، وجود طلای میلی نزد بانک کارگشایی رد شده است. این موضوع برای شرکت اهمیت ویژه‌ای دارد زیرا میلی مدعی است، رسیدهای رسمی مربوط به سپرده‌گذاری طلا در این بانک را در اختیار دارد. به همین دلیل در توضیحات خود خواستار پاسخ بانک کارگشایی درباره وضعیت طلای ثبت شده در این رسیده‌ها شده است. تا زمان انتشار این توضیحات، پاسخ رسمی بانک کارگشایی درباره ادعای میلی در متن منتشر شده از سوی این شرکت ارائه نشده است.

تأخیر در تسویه‌ها

همزمان با مطرح شدن این اختلاف، برخی کاربران با تأخیر در

پرونده‌های مربوط به برخی نمایندگان فراخواند و گفت رسیدگی به پرونده او اشکالی ندارد اما به پرونده‌های دیگر نیز باید رسیدگی شود.

پرونده سیامک رحمانی

در کنار این چهار پرونده، پرونده سیامک رحمانی، روزنامه‌نگار نیز در گزارش قوه قضائیه مطرح شده است. او پس از تفهیم اتهام و صدور کیفرخواست بسا اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» به پرداخت جزای نقدی درجه ۶ به میزان ۸۰ میلیون تومان محکوم شده است. این رأی هنوز قطعی نیست و قابل تجدیدنظرخواهی اعلام شده است. بنابراین پرونده رحمانی نیز مانند پرونده عبدی در مرحله‌ای قرار دارد که نتیجه نهایی آن هنوز مشخص نشده است.

پرونده‌های «با ضیا» و ماراتن‌ها

گزارش قوه قضائیه تنها به احکام صادر شده درباره چهره‌های سیاسی و رسانه‌ای محدود نمانده است. پرونده برنامه «با ضیا» نیز ۲۲ شهریور تشکیل شده و در مرحله تحقیقات مقدماتی قرار دارد. یکی از متهمان احضار و تفهیم اتهام شده و درباره متهم دیگر که خارج از کشور است هنوز این مرحله انجام نشده است. پرونده ماراتن دو تهران نیز ۲۸ شهریور تشکیل شده و افراد و مسئولان مرتبط با صدور مجوز و برگزاری مسابقه برای ارائه توضیحات به دادسرا دعوت شده‌اند. طبق این گزارش، تحقیقات مقدماتی ادامه دارد و یک نفر تفهیم اتهام شده و با قرار وثیقه آزاد است. در پرونده ماراتن کیش که از ۱۴ آذر سال گذشته تشکیل شده، دو نفر از عوامل اصلی برگزاری در همان زمان بازداشت شدند. پرونده پس از صدور کیفرخواست به دادگاه رفت اما دادگاه به دلیل نقص تحقیقات آن را دوباره به دادسرا بازگرداند تا تحقیقات تکمیل شود.

پرونده آرمان علی‌وردی

در بخش دیگری از گزارش پرونده‌های قضایی، آخرین وضعیت پرونده مربوط به شهادت آرمان علی‌وردی نیز تشریح شده است. براساس گزارش منتشرشده، دو پرونده در دستگاه قضایی درباره این موضوع تشکیل شده است. در یکی از پرونده‌ها پس از وصول نظر کمیسیون پزشکی قانونی و برگزاری جلسات دادگاه، رسیدگی پایان یافته است. مطابق رأی دادگاه پزشکی قانونی علت تامه فوت را خون‌ریزی مغزی در پی اصابت جسم سخت به سر اعلام کرده و سایر صدمات را در مرگ مؤثر ندانسته است. در رأی صادر شده، آمده است که مشخص نیست کدام ضربه و توسط چه فردی موجب خون‌ریزی مغزی و مرگ شده است. بر همین اساس سه نفر از متهمان از نظر جنبه خصوصی به پرداخت دیه نفس مقتول به صورت مساوی و از نظر جنبه عمومی به حبس محکوم شده‌اند و سه متهم دیگر از اتهامات مطرح شده، تبرئه شده‌اند. این رأی نهایی نیست و قابل فرجام‌خواهی در دیوان‌عالی کشور اعلام شده است.

تسویه ریالی مواجه شده‌اند. خود میلی نیز این تأخیر را تأیید کرده و بابت نگرانی ایجاد شده از کاربران عذرخواهی کرده است. شرکت علت اصلی این وضعیت را محدودیت دسترسی به بخشی از ذخایر طلا عنوان کرده است. در توضیحات میلی آمده است که علاوه بر محدودیت دسترسی به ذخایر، محدودیت‌های ایجاد شده در درگاه‌های پرداخت نیز بر روند خدمات‌رسانی تأثیر گذاشته است. با این حال میلی تأکید کرده که تعهدات خود در برابر کاربران را به رسمیت می‌شناسد و خود را موظف به انجام صددرد آنها می‌داند. از نگاه این شرکت امکان دسترسی به ذخایر طلا برای انجام تعهدات اهمیت مستقیم دارد؛ زیرا بخشی از دارایی کاربران به شکل طلای فیزیکی نگهداری می‌شود و بخشی دیگر در

قالب تعهدات ریالی باید تسویه شود.

درخواست برای رفع محدودیت

در نامه مدیرعامل میلی به دبیر شورای عالی امنیت ملی، درخواست اصلی شرکت مشخص است: آزادسازی فوری طلای متعلق به کاربران که به گفته شرکت در خزانه‌های بانکی، نگهداری می‌شود و رفع موانعی که دسترسی به این ذخایر را محدود کرده است. میلی در این نامه تأکید کرده که ادامه محدودیت‌ها می‌تواند بر توان شرکت برای انجام تعهدات خود در برابر کاربران اثر بگذارد. این شرکت همچنین از طولانی شدن روند بررسی موجودی و تعیین تکلیف ذخایر انتقاد کرده است. در شرایطی که بخشی از کاربران با تأخیر در تسویه مواجه شده‌اند، تعیین تکلیف وضعیت ذخایر، پاسخ بانک درباره رسیدهای سپرده‌گذاری و مشخص شدن نتیجه بررسی پلیس امنیت اقتصادی می‌تواند، وضعیت دارایی‌های مورد ادعای شرکت و روند تسویه‌ها را روشن‌تر کند.

جامعه

راه‌های خروج از ایران

محدودیت پروازها

مسیرهای جایگزین را پررنگ کرده است

تحریم ۲۷ شرکت هواپیمایی ایرانی از سوی آمریکا و محدودیت‌های تازه کشورهای همسایه، مسیر خروج هوایی از ایران را محدودتر کرده است. وزارت خزانه‌داری آمریکا ۸ سپتامبر ۲۰۲۶ این شرکت‌ها را تحریم کرد و ارائه خدماتی مانند سوخت‌رسانی، خدمات زمینی و فروش بلیت به هواپیماهای ایرانی نیز می‌تواند برای شرکت‌های خارجی ریسک تحریم ثانویه ایجاد کند.

در هفته‌های اخیر آذربایجان، گرجستان، عمان، امارات و عراق دسترسی پروازهای ایرانی را محدود کرده‌اند. در عراق نیز فرودگاه‌های بغداد، نجف، اربیل و سلیمانیه از ۲۵ سپتامبر پروازهای ایران را متوقف کرده‌اند؛ اتفاقی که یکی از مسیرهای مهم هوایی ایران را از دسترس خارج کرده است.

با این حال تمام مسیرها بسته نشده‌اند. ماهان همچنان به برخی مقاصد شرق آسیا و روسیه پرواز دارد. و ایران‌ایرتور نیز پروازهایی به مقصد کوالالامپور دارد. ترکیه و ارمنستان نیز همچنان در میان مسیرهای قابل استفاده قرار دارند.

ترکیه در این میان اهمیت بیشتری دارد. مسافران می‌توانند از طریق پروازهای ایرانی خود را به استانبول برسانند و از آنجا با پروازهای بین‌المللی ادامه مسیر دهند. مسیر زمینی نیز از مرزهای بازرگان، رازی و سرو امکان‌پذیر است هرچند افزایش تقاضا موجب شکل‌گیری صف‌های طولانی و رشد هزینه‌های حمل‌ونقل شده است.

ارمنستان نیز از طریق پرواز تهران-ایران و مرز نوردوز-آگاراک یکی دیگر از مسیرهای موجود است اما ظرفیت فرودگاه ایران و این مرز با استانبول قابل مقایسه نیست. در مقابل، آذربایجان با وجود موقعیت جغرافیایی مناسب به دلیل توقف پروازهای ایرانی نیاز به ویزا و محدودیت تردد زمینی فعلاً گزینه فوری و عمومی محسوب نمی‌شود.

راه‌آهن نیز نمی‌تواند جایگزین گسترده‌ای برای هواپیما باشد. قطار تهران-وان فعال است اما ظرفیت محدود و زمان طولانی سفر، آن را به مسیری مکمل تبدیل کرده است. در صورت تشدید محدودیت‌ها، خروج از ایران بیش از گذشته به سفرهای ترکیبی زمینی و هوایی وابسته خواهد شد؛ مسیری که با افزایش تقاضا می‌تواند، خود به گلوگاه تبدیل شود.



سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقتناعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقتناعی

مدیرهنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آرین‌فر • حروف‌چین: سحر خسروچردی • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

یا مرگ یا سوسیالیسم!

گزارشی کوتاه از سفر به کوبا و درس‌های آموختنی آن



خسرو دهناد

عضو هیأت علمی دانشگاه کلمبیای نیویورک

در مه ۲۰۲۴ (اردیبهشت ۱۴۰۳) فرصت سفر کوتاهی به کوبا دست داد. دیدن وضع اسفبار اقتصاد کوبا من را بر آن داشت که چند کلمه‌ای در این باره برای هم‌میهن‌انم بنویسم. ایران و کوبا دو کشوری هستند که با شعارهای انقلابی، نظام جدیدی تأسیس کردند.

اقتصاد کوبا بیش از ۶ دهه تحریم به حال و روزی افتاده که زندگی بسیاری از مردم کوچه و بازار، تبدیل شده به تلاش برای زنده ماندن. بنظر می‌رسد اگر تحریم‌ها در مورد ایران هم ادامه یابد، بعید نیست از برخی جهات زندگی مردم ایران به حال و روز زندگی مردم کوبا دچار شود. فرودگاه خسوزه مارتی در هوانا از بیرون شبیه فرودگاه‌های یک شهر متوسط آمریکاست. تقریباً به‌اندازه فرودگاه امام خمینی. فرودگاه مدت‌هاست مدرن نشده است. سالن استقبال از مسافران داخل ساختمان فرودگاه نبود و استقبال‌کنندگان در خارج ساختمان زیر سقف منتظر مسافر در هوای گرم و شرجی می‌ایستادند.

بنظر می‌رسد پس از انقلاب کوبا، رهبران اصلی انقلاب تحت‌تأثیر آموزش‌های مارکسیستی و سوسیالیستی تصمیم گرفتند، کاری کنند تا کارگران و کشاورزان دیگر توسط سرمایه‌داران استثمار نشوند و خون‌شان در شیشه شود.

مایحتاج اصلی مردم به قیمت کم، شبیه کوبن به‌دست‌شان می‌رسد. فروشنندگان کارمند دولت هستند. برایشان فرق نمی‌کند که فروش خوب باشد یا بد. به‌علاوه چون رقابت نیست، ویترن‌ها و نمایش‌های کالا بسیار بد، فروشنندگان بی‌تفاوت و خدمات تقریباً هیچ. صف بنزین هم یکی دیگر از دیدنی‌های کوبا است. هر راننده کارت بنزین دارد و صف‌های طولانی در جایگاه بنزین. در طول مسافرت به یک جایگاه بنزینی خلوت رسیدیم و راننده با شوق آنجا پیچید که بنزین بزند ولی مسئول جایگاه گفت برق نیست به‌خاطر همین جایگاه خلوت است.

خودروها هم مال عهد بوق، مثل لادای روسی و یا اشکودای چکسلواکی با مصرف بنزین بالا چون خیلی قدیمی هستند. البته تاکسی جدید چینی و ژاپنی هم در آنجا هست. این تاکسی‌ها مال دولت است و افسرد برای مسافر کشی آن را از دولت اجاره می‌کند. وضع وسایل نقلیه عمومی هم خیلی درام است. در طول مسافرت در سایر ایالات

می‌دیدیم که مردم با پچه در آفتاب منتظر اتوبوس و یا سایر وسایل نقلیه هستند. به‌نظر می‌رسید که وسایل نقلیه عمومی به‌طور کلی کم است. البته خودروهایی قدیمی آمریکایی دهه ۱۹۵۰ موجود در هوانا برای توریست‌هاست.

با یکی از کارمندان هتل دوست شده بودم. او انگلیسی خوب حرف می‌زد. اسمش سرگنی بود به او گفتم که این اسم روسی است. گفت زمانی که اتحاد جماهیر شوروی سرپا بود و در کوبا خیلی حضور داشت اسم بسیاری از بچه‌ها روسی بود. او گفت، فقر شدید در کوبا نیست و هر کس مستقیم یا غیرمستقیم نان‌خور دولت است. برای همین افراد در مورد تغییرات اجتماعی خیلی محتاط هستند و معتقدند اگر این دولت برود چه کسی حقوق ما را خواهد داد و چه بر سر کوبن غذا می‌آید. تورم در کوبا هست و با توجه به درآمد کم مردم، کمرشکن هم هست. نرخ بازار سیاه ارز هم سه برابر نرخ رسمی است و بی‌شک تحریم یکی از عوامل این وضع است. منابع اصلی درآمد ارزی کوبا در حال‌حاضر تا حدی صادرات شکر و سیگار برگ و گردشگری است. شکر در زمانی به‌قدری ارزشمند بود که به آن می‌گفتند، طلای سفید و کوبا یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان شکر از نیشکر بود و مزارع بزرگ نیشکر داشت با چندین کارخانه تولید شکر. اما همین موضوع باعث رقابت شد و به‌علاوه چغندر قند هم رقیبی شد برای نیشکر. در نتیجه قیمت شکر خیلی پائین افتاد و حدود نیمی از کارخانجات تولید شکر کوبا تعطیل شدند.

همین‌طور کشت نیشکر هم پائین افتاد. به‌دلیل عدم تعادل عرضه و تقاضا، قیمت کالاها بالا است. تورم حاصل این عدم تعادل است. در نتیجه ارزش پول نسبت به دلار کم می‌شود و این کم شدن ارزش پول تورم‌زاست. وقتی تورم افسارگسیخته می‌شود مردم برای حفظ قدرت خریدشان به ارز، طلا و یا مستغلات روی می‌آورند. خرید و فروش مستغلات در کوبا از لحاظ قانونی کار ساده‌ای نیست یعنی به‌سرعت قابل تبدیل به پول نیست تا خریدار پیدا شود، یا پول کافی داشته باشد و یا بتواند قرض کند.

حقوق بازنشستگان و دستمزد کارگران چندان اضافه نشده است. به‌همین جهت تورم و سقوط پول ملی، نگرانی عمومی است. راهنما می‌گفت، اسکناس پیروی کوبایی معادل دستمال مستراح است!! تورم باعث شده، دستمزد کارگر در کوبا ارزان باشد. تحریم مانع سرمایه‌گذاری خارجی در کوبا است.

سرگنی، کارمند هتل می‌گفت در عرض چند سال گذشته بیش از نیم میلیون جوان کوبایی مهاجرت کرده‌اند. بعضی به آمریکا و بعضی به سایر کشورهای آمریکای لاتین مانند مکزیک و یا نیکاراگوئه. او می‌گفت این جوان‌ها هستند که باید کار کنند و پول بازنشستگی من را در آینده بدهند. همانطور که من پول بازنشستگی افراد پیر را دادم.

تحصیل در کوبا از سال اول دبستان تا سال آخر دانشگاه مجانی است. حالا با این خیل فارغ‌التحصیلان چه‌کار باید کرد، وقتی کارخانه و صنعت گردشگری در رکود است. شبیه این موضوع در ایران هم رخ داده است. این همه دانشگاه‌ها و رشته‌های جورواجور با فارغ‌التحصیلانی که برایشان کار نیست، فارغ‌التحصیل یا باید شانس بیابود و یا پارتی داشته باشد تا یک کار دولتی بی‌خودی پیدا کند.

در کوبا راننده تاکسی مساهندس مکانیک بود و می‌گفت برای تخصص من کار نیست و اگر هم کار باشد، حقوق آن بخور و نمیر است و به‌مراتب از درآمد مسافرکشی کمتر است. این حالت وادادگی و عدم امید به آینده را در کوبا به‌وضوح می‌بینید. جوانان دست‌فروشی می‌کنند و یا در گوشه‌ای نشسته و محو‌گوشی موبایل‌شان هستند.

راهنمای ما می‌گفت، رهبران ما زندگی راحتی دارند و همه‌اش شعار می‌دهند که مردم با امپریالیسم مقابله کنید و در مقابل به مردم می‌گویند در سختی‌ها مقاومت کنید، یا مرگ یا سوسیالیسم!!

یکی دیگر از مشکلات کوبا، اشکالات قضایی است که حاصل تحریم است. بسیاری از ثروتمندان و مالکان کوبایی بعد از انقلاب با پول و یسای پول به آمریکا فرار کردند. اغلب این افراد، اسناد مالکیت خانه‌ها، زمین‌ها، کارخانجات و... را با خود به آمریکا برده‌اند به امید روزی که به کوبا برگردند. بعد از بیش از ۶ دهه حضور در آمریکا با بچه‌ها و نوه‌ایشان حدود یک میلیون نفر هستند. چند سناتور و نماینده عضو کنگره آمریکا، کوبایی‌تبار هم دارند. همان‌طور که می‌توان حدس زد، بسیاری از این افراد مخالف سرسخت حکومت کوبا هستند. فیدل کاسترو گفته است هرکس به کوبا برنگردد، خانه‌اش متعلق به ساکینین فعلی آن است. ساکینین فعلی حتی پولی نداشتند که اگر چیزی خراب شد آن را مرمت کنند. آن ساختمان‌های شیک و زیبا الان کلنگی و مخروبه شده‌اند و نمونه آنها در هوانا بسیار است. زمان انقلاب، جمعیت کوبا حدود ۶/۵ میلیون نفر بود و در حال حاضر ۱۰ میلیون نفر است. اگر تحریم برداشته شود، صاحبان اصلی، املاک خود را مطالبه خواهند کرد و یا از دولت کوبا غرامت خواهند گرفت.

شبیه این موضوع برای ایران در مورد توافق الجزیره و گروگان‌های آمریکایی پیش آمد که بسیاری از دارایی‌های مسدود شده ایران به افراد مختلف پرداخت شد که ادعا می‌کردند از انقلاب ایران متضرر شده‌اند. بعید نیست با رفع تحریم‌های ایران، کشورمان چنین سرانجامی داشته باشد، به‌فرض کسانی که اموال‌شان بعد از انقلاب مصادره شده، خود و یا بازماندگان‌شان تقاضای غرامت کنند.

سرگنی می‌گفت در دوره اوپاما، روابط قدری بهتر شد و چند کشتی مسافری گردشگر آوردند به کوبا، البته هوانا اسکله مناسبی برای پیاده کردن و سوار کردن گردشگران نداشت. رهبران انقلاب نوعاً به‌طرز دموکراتیک انتخاب می‌شوند. بدین معنی که مردم کسی را به رهبری قبول کرده‌اند، البته نه از طریق صندوق رأی بلکه به‌طور خودجوش. این رهبران معمولاً کاریزماتیک هستند مانند آیت‌الله خمینی و یا فیدل کاسترو. افراد از جان و مال خود برای این رهبران مایه می‌گذارند.

در آغاز انقلاب کوبا در میان شوق انقلاب مردم، کارگران و کشاورزان اسلحه به‌دست گرفتند تا از کشور و انقلاب‌شان دفاع کنند و رشادات‌های فراوانی کردند. در موزه‌ای که بیانگر این دفاع مردمی است، عکس جوانی هست که در دفاع از انقلاب و جنگ با مهاجمین کشته شده و هنگام مرگ روی دیوار با خون خود نوشته بود، فیدل (Fidel). این نشان می‌دهد که مردم چقدر رهبرشان فیدل کاسترو را دوست داشته‌اند و حاضر بوده‌اند برایش جان بدهند. لکن بعد از انقلاب وقتی رژیم جدید مستقر می‌شود، آن وقت دستگاه اطلاعاتی، اداری و دیوان‌سالاری خودش را راه می‌اندازد. پس از رهبران اولیه انقلاب که مردم آنها را با علاقه و اراده به رهبری انتخاب کرده‌اند، رهبران بعدی از بین دیوان‌سالارها انتخاب می‌شوند و معمولاً مردم در این انتخاب، سهم مستقیمی ندارند. طبعاً این رهبران از محبوبیت کمتری برخوردارند و این را به وضوح در حزب کمونیست شوروی دیدیم. همین‌طور که نسل عوض می‌شود، جوانان خواسته‌های نو و متفاوت از نسل گذشته دارند.

به‌وقت بازگشت راننده تاکسی فرودگاه که او هم مهندس بود گفت، می‌دانم که ما در تحریم هستیم اما این بهانه‌ای شده که دولت همه چیز را به‌گردن تحریم بیندازد: کمبود برق، نبود دارو، ندانم‌کاری‌های اقتصادی و نتایج تصمیم‌های غلط. فشار اصلی تحریم‌ها بر دوش فقرا و طبقه متوسط است. همان‌طور که تحریم‌ها، زیربنای کوبا را از بین برد همین بلا هم ممکن است بر سر ایران بیاید.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک باوی تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای نادر جاسمی زرگانی فرزند زباری بشماره شناسنامه ۷ صادره از در شش‌دانگ یک باب ساختمان به مساحت ۸۳۵/۲۰ متر مربع پلاک ۱ فرعی از ۶۸۳ اصلی واقع در بخش ۷ باوی خریداری از مالک رسمی (ورثه مرحوم زباری جاسمی زرگانی و سهم الارث اختصاصی) محرز گردیده است.

۵- برابر رای شماره ۰۳۱۷۱۲۶۰۰۳۱۸۲ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۳۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۳۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک باوی تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای نادر جاسمی زرگانی فرزند زباری بشماره شناسنامه ۷ صادره از در شش‌دانگ یک باب ساختمان به مساحت ۴۶/۷۰ متر مربع پلاک ۱ فرعی از ۶۸۳ اصلی واقع در بخش ۷ باوی خریداری از مالک رسمی (ورثه مرحوم زباری جاسمی زرگانی و سهم الارث اختصاصی) محرز گردیده است.

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد **شناسه: ۲۲۸۸۰۵۵**

(تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۷/۰۶)

(تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۷/۲۲)

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک - احمد شعبی

۱- برابر رای شماره ۰۳۱۷۱۲۶۰۰۳۱۷۲ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۳۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۳۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک باوی تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای نادر جاسمی زرگانی فرزند زباری بشماره شناسنامه ۷ صادره از در شش‌دانگ یک باب ساختمان به مساحت ۵۱/۸۰ متر مربع پلاک ۱ فرعی از ۶۸۳ اصلی واقع در بخش ۷ باوی خریداری از مالک رسمی (ورثه مرحوم زباری جاسمی زرگانی و سهم الارث اختصاصی) محرز گردیده است.

۲- برابر رای شماره ۰۳۱۷۱۲۶۰۰۳۱۷۶ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۳۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۳۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک باوی تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای نادر جاسمی زرگانی فرزند زباری بشماره شناسنامه ۷ صادره از در شش‌دانگ یک باب ساختمان به مساحت ۵۱/۹۲ متر مربع پلاک ۱ فرعی از ۶۸۳ اصلی واقع در بخش ۷ باوی خریداری از مالک رسمی (ورثه مرحوم زباری جاسمی زرگانی و سهم الارث اختصاصی) محرز گردیده است.

۳- برابر رای شماره ۰۳۱۷۱۲۶۰۰۳۱۷۸ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۳۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۳۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک باوی تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای نادر جاسمی زرگانی فرزند زباری بشماره شناسنامه ۷ صادره از در شش‌دانگ یک باب ساختمان به مساحت ۴۳/۱۰ متر مربع پلاک ۱ فرعی از ۶۸۳ اصلی واقع در بخش ۷ باوی خریداری از مالک رسمی (ورثه مرحوم زباری جاسمی زرگانی و سهم الارث اختصاصی) محرز گردیده است.

۴- برابر رای شماره ۰۳۱۷۱۲۶۰۰۳۱۷۶ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۳۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۳۰

حوزه ثبت ملک ناحیه دو رشت
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای هیات مندرج در پرونده موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ملک ناحیه ۲ رشت، تصرفات مالکانه بلامعارض آقای یزدان سپرده سیدانی فرزند حسنعلی به میزان شش‌دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر بنای احدثی به مساحت ۱۰۱۷ متر مربع به شماره پلاک فرعی ۲۸۷۰۳ مفرور مجزی از پلاک ۵ از اصلی ۱۲ واقع در قریه حبیب بختی چهار رشت خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای یوسف علی نژاد محرز گردیده است.

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۴۴۴۴ شناسه ۲۲۷۳۳۳۲ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۲۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۷/۰۶

علی غلامعلی زاده رودکلی
رئیس اداره ثبت و املاک ناحیه دو رشت
از طرف محمد فلاح نونکار

@saazandeginews
saazandeginews
www.saazandegi.ir

